

لوح حضرت عبدالبهاء به امیرخان: گسترش دامنه‌ی آموزه‌ی آئین بهائی در مورد ظهور تدریجی به منظور در بر گرفتن و مشارکت دادن سنت‌های معنوی سنتی

نویسندگان: کریستوفر باک، و مایکل ای. اورونا

۱. امور آکادمیک، دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا، پارک دانشگاه، پنسیلوانیا ۱۶۸۰۲، ایالات متحده آمریکا

۲. وزارت امور خارجه ایالات متحده، واشنگتن دی سی ۲۰۵۲۰، ایالات متحده آمریکا؛ maocg14@gmail.com

مکاتبات: buckphd@gmail.com

† تقدیم به یاد و میراث غنی سه چهره برجسته بومی: (1) پاتریشیا لاک (Patricia Locke) توواچی واشتیموین (*Thawáchiŋ Wašté Win*) به معنی «زن دلسوز»، از قبیله‌های لاکوتای هونکپا-سو از ایستاده سنگ و چیپوای زمین سفید میسیسیپی، ۱۹۲۸-۲۰۰۱؛ ۲. کوین لاک (Kevin Locke) توکیا این ناژین (*Thokéya Ināžin*)، به معنی «نخستین برخاسته»، ۱۹۵۴-۲۰۲۲، از قبیله‌ی سو از ایستاده سنگ و آنیشینابه‌ی زمین سفید؛ و ۳. دکتر جونل اورونا (Dr. Joel Orona) نیهی‌تا دی چو اول (*Nihi'-taa dee' Ch'u'ul*)، به معنی «از درختان صنوبر»، ۱۹۴۷-۲۰۲۱، از قبایل اپاچی گیلا و ملت چی‌هنه ان‌دی (Nde) نیومکزیکو.

ترجمه فارسی: ایمان مطلق آرائی

چکیده

تعلیم «ظهور تدریجی» (عالم محتاج نفحات روح القدس است) در دیانت بهائی، با وجود جهان‌شمولی در سطح اصول، از حیث دامنه و کاربست به واسطه آنچه پیش‌تر «آریا-سامی‌محوری» نامیده شده است محدود مانده؛ بدین معنا که تمرکز پارادایمی عمدتاً بر ادیان سامی (ادیان ابراهیمی: یهودیت، مسیحیت، اسلام، به‌همراه آیین بابی و دیانت بهائی) و نیز ادیان به‌اصطلاح «آریایی» (زرتشتی، بودایی، هندو) بوده و این امر به به‌حاشیهراندن نسبی ادیان بومی انجامیده است. «لوح حضرت عبدالبهاء به امیرخان» می‌تواند راحل و گشایشی پیش‌نهد، بدین شرح: «بی‌گمان در آن نواحی [قاره آمریکا] نیز در ازمنه قدیم ندای حق بلند بوده، ولی اکنون از خاطرها محو و فراموش شده است.» این مقاله به تفسیر «لوح امیرخان» می‌پردازد—متنی معتبر و مستند از دیانت بهائی، با ترجمه‌ای مصوب (به انگلیسی). فرض بنیادین ما چنین است: همان‌گونه که حضرت عبدالبهاء، بودا و کریشنا را به فهرست دیانت بهائی از «مظاهر ظهور الهی» «افزوده» است، اصل وجود «پیام‌آوران بومی الهی» در قاره آمریکا را نیز «افزوده» است—بی‌آن‌که اشخاص اصلی (یعنی نام «خردمندان» بومی مشخص) را ذکر کند. بدین‌سان، «لوح حضرت عبدالبهاء به امیرخان» عملاً دامنه تعلیم ظهور تدریجی در دیانت بهائی را می‌گستراند تا سنت‌های معنوی بومی را نیز دربرگیرد و با آنها وارد تعامل شود.

کلیدواژه‌ها: بومی دیانت بهائی؛ لوح امیرخان؛ مکاشفه مترقی؛ عبدالبهاء

اصل بنیادین این مقاله آن است که خداوند میلیون‌ها انسان بومی نیم‌کره غربی را نادیده نگرفته است؛ بلکه در طول قرون، «هزاران پیام‌آور» الهی را به سوی ملت‌های گوناگون بومی فرستاده تا تعالیم الهی را برایشان بیاورند؛ تعالیمی که بسیاری از آنها پایدار مانده و امروزه نیز بدان‌ها عمل می‌شود. برای سده‌ها، مردمان بومی قاره آمریکا عمیقاً دین خو و اهل روحانیت بوده‌اند.

— پاتریشیا لاک (Patricia Locke) *Standing Rock Sioux–Hunkpapa Lakota / Mississippi Band of* (White Earth Chippewa)، ۱۹۹۳، (P. Locke, 1993)؛ (Buck & Locke, 2021).

از همه مهمتر، ما پیش‌گویی‌ها داریم. مردم درک نمی‌کنند که مردمان بومی پیش‌گویی دارند. و ما همچنین پیامبرانی نیز داریم.

— رومن اورونا (Roman Orona) (*Chihene Apache / Yaqui*)، ۲۰۲۱ (R. Orona, 2021)، آغاز از 4:25.

1. مقدمه: اهمیت مسائل بومی و دریافت‌های آنان از منظر جهانی

در جهانی هرچه بیشتر به هم وابسته و تعاملی، مردمان بومی و غیربومی با تماس‌هایی روزافزون—از تعارض تا همکاری—روبرو هستند. این مواجهه‌های میان‌اجتماعی و میان‌فرهنگی، شامل برهم‌کنش‌ها و تلاقی‌های میان ادیان سنتی بومی و ادیان جهانی نیز می‌شود. دیانت بهائی نیز خود دینی جهانی است و در سراسر جهان—چه در درون جامعه بهائی و چه بیرون از آن—با مردمان بومی مناسباتی چشمگیر دارد. این مقاله متنی منحصربه‌فرد از دیانت بهائی را معرفی می‌کند: «لوح حضرت عبدالبها به امیرخان» که—چنان‌که نشان داده خواهد شد—دامنه‌شناسایی متون مقدس دیانت بهائی را گسترش می‌دهد تا سنت‌های دینی بومی را نیز دربرگیرد. پیش از بررسی، تبیین و به‌کارگیری این قطعه کلیدی از متن بهائی، ضرورت دارد تا زمینه‌های تاریخی و معاصر را ترسیم کنیم. بدین منظور، نویسندگان حاضر از یک روش‌شناسی استعمارزدایانه با عنوان «دیدن با دو چشم» (Two-Eyed Seeing) بهره گرفته‌اند (رایت و همکاران، ۲۰۱۹) که به‌اجمال چنین خلاصه می‌شود:

«دیدن با دو چشم» بر آن تأکید دارد که جهان را با یک چشم از رهگذر قوت‌های جهان‌بینی‌های بومی و با چشم دیگر از رهگذر قوت‌های جهان‌بینی‌های غربی بنگریم، تا با هر دو چشم و به سود همگان «با هم» ببینیم. این رویکرد بر درهم‌بافی منظرها تأکید می‌کند و برای هر دو اهمیت برابر قائل است، هرچند می‌پذیرد که در برخی موقعیت‌ها ممکن است یکی از این منظرها در فهم یک مفهوم یا وضعیت خاص، از دیگری پیش‌برنده‌تر باشد. پژوهشگران ترغیب می‌شوند که بنا بر اقتضا، میان هستی‌شناسی‌ها (ontologies)، معرفت‌شناسی‌ها (epistemologies) و روش‌شناسی‌های (methodologies) بومی و غربی رفت‌وآمد کنند و آن‌ها را در هم ببافند. نویسندگان از تمثیل دو قطعه پازل بهره می‌گیرند که در هم چفت می‌شوند: هیچ‌یک سهم بزرگتری از «تصویر کلان» ندارد، بلکه هر دو به‌گونه‌ای برابر چشم‌اندازهای مهمی را به پدیده مورد مطالعه می‌افزایند... (رایت و همکاران، ۲۰۱۹، صص. ۱-۲).

افزون بر این، «دیدن با دو چشم» یک روش‌شناسی در حال تکامل است: راهنمای «چگونگی اجرا» بی برای پیروی ندارد. جیتی کلی را نشان می‌دهد، بی‌آن‌که دستورالعمل‌های گام‌به‌گام ارائه کند. افق به‌روشنی پیداست، اما نقشه راه نامعین است. هرچند انگیزه‌ها و اهداف آن روشن است، کاربست‌های خاص «دیدن با دو چشم» بسته به محل و نحوه به‌کارگیری و به اقتضای حوزه‌های پژوهش و رشته‌های درگیر، متفاوت است. در مقاله «مواجهه با تناقض‌ها میان علم غربی و بومی: سنجای انتقادی از دیدن با دو چشم» (Confronting the contradictions between Western and Indigenous science: a critical perspective on Two-Eyed Seeing)، نویسندگان «لی-آن برادهد» و «شان هاوارد» برخی از چالش‌هایی را که «دیدن با دو چشم» همچنان با آن‌ها روبروست طرح می‌کنند.

در میانه دهه ۲۰۰۰، اصطلاح «دیدن با دو چشم» (Two-Eyed Seeing) توسط «آلبرت مارشال»، بزرگ قوم میکماو (Mi'kmaw)، برای نشان‌دادن مکمل‌بودن علوم غربی و بومی طرح شد. از آن زمان، این مفهوم پذیرفته و در طیفی متنوع

از پژوهش‌ها به کار بسته شده است. این مقاله تنش نهفته‌ای را در «دیدن با دو چشم» بررسی می‌کند: تنش میان خواست تقویت گفت‌وگو—برای آفرینش ایده‌آل یک «فضای سوم» میان فرهنگی فهم—و انکار یا سرکوب تناقض‌های بزرگ میان جهان‌بینی‌های عمدتاً کل‌نگر بومی و جهان‌بینی‌های عمدتاً تقلیل‌گرای اروپامحور. نمونه‌هایی هم از همکاری‌های ثمربخش مبتنی بر «دیدن با دو چشم» و هم از قلمروهایی طرح می‌شود که در آن‌ها رویکردهای متنافی به دلایلی—که کاریست انتقادی‌تر این مفهوم می‌تواند روشن‌ترشان سازد—قابل ترکیب نیستند. به‌عکس، اگر «دیدن با دو چشم» بدین‌سان بازاندیشی شود، می‌تواند قدرشناسی ما را نسبت به برخی حوزه‌های علم غربی، مانند «تجربه‌گرایی ظریف» در علم گوته‌ای (Goethean science)، که به‌راستی با رویکردهای بومی هم‌آواست، ژرف‌تر کند. (خلاصه‌ی مقاله‌ی Broadhead and Howard 2021، صفحه ۱۱۱. برای یک مرور گسترده بر ادبیات منتشر شده درباره‌ی «دیدن با دو چشم»، به Rankin و همکاران. 2023 مراجعه کنید.)

رویکرد «دیدن با دو چشم» برای نگارندگان حاضر تجربه‌ای جذاب، آموزنده، الهام‌بخش، یکپارچه‌ساز و روشن‌گر بوده است. نگارندگان تصریح می‌کنند که پژوهش، یافته‌ها و دیدگاه‌های آنان—چنان‌که در ادامه می‌آید—بازتاب اندیشه‌های آگاهانه خود ایشان در نتیجه کاوش مشترک است و به‌منزله هیچ‌گونه اعلامیه یا موضع رسمی از سوی دیانت بهائی و مؤسسات آن نیست. بلکه ایشان، با کمال احترام، حاصل تحقیق خود را به‌عنوان مشارکتی در گفت‌وگو عمومی درباره این موضوع و مسائل مرتبط مورد علاقه عرضه می‌دارند.

۲. لوح حضرت عبدالبها به امیرخان: مقدمه، زمینه، متن، تفسیرها و کاربردها

کوین لاک فقید (Kevin Locke) — «توکیا ایناجین» *Thokéya Inázhij* به‌معنای «نخستین برخاسته» (۱۹۵۴–۲۰۲۲؛ لاک و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۷۴) — رقصنده حلقه نام‌آور جهانی، نوازنده بومی فلوت دشت‌های شمالی، قصه‌گوی سنتی، سفیر فرهنگی، هنرمند ضبط آثار، آموزگار، و از اعضای شناخته‌شده دیانت بهائی — گفته است: «لوح امیرخان [...] برای بهائیان [...] چیزی در حکم جام مقدس است؛ آنجا که حضرت عبدالبها می‌فرمایند: "بی‌گمان در آن نواحی [قاره آمریکا] نیز در ازمنه قدیم ندای خدا برخاسته، ولی اکنون از خاطرها محو و فراموش شده است."» (Locke, 2021a). در یک دوره آموزشی «مؤسسه ویلمت» با عنوان «روح بزرگ سخن می‌گوید: صداهای خردمندان» — که باک و لاک به‌صورت مشترک تدریس می‌کردند (Buck & Locke, 2021–2022؛ نیز نک: بیت‌العدل اعظم، ۱۹۷۲) — کوین لاک افزوده است: «برای جمعیت‌های مهاجر و برای بومیانی که از میراث روحانی خود گسسته‌اند، لوح حضرت عبدالبها به امیرخان سنگ محگی است که درهای فهم تاریخ راستین این سرزمین را می‌گشاید.» (Locke, 2021b). دلایل این ستایش بلند لاک از «لوح امیرخان» در بخش‌های بعد آشکار خواهد شد.

درباره اوضاع و احوالی که به نگارش «لوح حضرت عبدالبها به امیرخان» انجامیده است، آگاهی اندکی در دست است؛ جز آن حقیقت بدیهی که گیرنده لوح به‌روشنی شناسایی شده و برخی جزئیات زندگی‌نامه‌ای او در بخش بعدی خواهد آمد. با این همه، تاریخ نزول این لوح همچنان نامعلوم است. دانستن این نکته سودمند خواهد بود که آیا این لوح پیش از سفر ۱۹۱۲ حضرت عبدالبها به آمریکا و کانادا نوشته شده یا پس از آن؛ و نیز این‌که آیا آن سفر بر تلقیات و برداشت‌های حضرت عبدالبها اثرگذار بوده است یا نه، و اگر آری، به چه صورت.

۲.۱. امیرخان مغازه آهن (آهنگری): دریافت‌کننده لوح حضرت عبدالبها

دکتر ایرج ایمن (زاده ۱۹۲۸)، ایرانی پیرو دیانت بهائی و ساکن ایالات متحده، اوضاع و احوالی را که به نگارش «لوح حضرت عبدالبها به امیرخان» انجامیده است—بی‌آن‌که تاریخی تقریبی ذکر کند—چنین شرح می‌دهد:

امیرخان تهرانی به یکی از بهائیان با نام «امیرخان آهن» اشاره دارد. او در ابتدای خیابان ناصرخسرو تهران مغازه‌ای داشت که بر سردر آن «مغازه آهن» نوشته بودند؛ از این رو در تهران به «امیرخان مغازه آهن» معروف بود. او به واردات و فروش انواع لوازم آهنی و سخت‌افزاری اشتغال داشت. امیرخان به سبب اختراعات بسیاری شهرت داشت. به اروپا— به‌ویژه روسیه—سفر کرده و برخی از اختراعات خود را در آنجا به فروش رسانده بود. او گیرنده یکی از الواح مشهور حضرت عبدالبهاس که در پاسخ به نامه او نازل شد؛ نامه‌ای که در آن، با توجه به علایق متعدد و گوناگونش، درخواست راهنمایی کرده بود که «کدام مسیر را دنبال کند» {در متن انگلیسی: peruse؛ صحیح: pursue}. حضرت عبدالبهاس به او توصیه می‌فرمایند که بر یک مسیر تمرکز کند، وگرنه استعداد و توانش به هدر خواهد رفت.

امیرخان چندین لوح دیگر نیز دریافت کرده و در ارض اقدس با حضرت عبدالبهاس دیدار کرده بود. او دوست صمیمی پدر من بود و من همراه پدرم بارها با وی ملاقات کردم. پیوسته سرشار از اندیشه‌های جذاب بود، پیاپی ابزارهای نو می‌ساخت و مسائل فنی را حل می‌کرد.

(منبع: «research into history»، از طرف ایمن، ایرج؛ ارسال: پنج‌شنبه ۱۰ مه ۲۰۰۷، ساعت ۸:۲۲ صبح؛ به: TARIKH-LIST@LISTSERV.BUFFALO.EDU. به نقل با اجازه نویسنده، دکتر ایرج ایمن. نیز نک: Buck, (2014b).

اطلاعات چندانی افزون بر این درباره دریافت‌کننده «لوح حضرت عبدالبهاس به امیرخان» در دست نیست. در باب مسئله پیام‌آوران بومی خداوند، این لوح—با توجه به موضوع آن، یعنی سنت‌های روحانی بومی در قاره آمریکا—نسبت به سایر متون دیانت بهائی تا حد زیادی در «انزوای درخشان» قرار دارد. به بیان دیگر، نگارندگان حاضر با نظر یکی از داوران هم‌اکنون هم‌داستان‌اند که «لوحی که نویسندگان به آن اشاره می‌کنند، مهم و معنادار است، اما در جامعه بهائی چندان شناخته‌شده نیست.»

۲.۲. متن اصیل فارسی/عربی مُحَرَّر لوح حضرت عبدالبهاس به امیرخان

در گفتمان دیانت بهائی، «لوح» معمولاً به اثر معینی اطلاق می‌شود (اغلب به صورت نامه) که یا از سوی بهاءالله (۱۸۱۷–۱۸۹۲، پیامبر-بنیان‌گذار دیانت بهائی) نازل شده است یا به قلم حضرت عبدالبهاس (۱۸۴۴–۱۹۲۱، فرزند ارشد بهاءالله، جانشین منصوب، مفسر مآذون تعالیم بهاءالله، و اسوه کامل آن آموزه‌ها در عمل) تألیف گردیده است.

«لوح امیرخان» لوحی مُحَرَّر است—و بدین‌سان، منبعی اولیه و معتبر در دیانت بهائی (یعنی در «قانون» متون بهائی، به‌منزله نوشتار مقدس پذیرفته می‌شود)—که ترجمه مآذون نیز دارد. در پژوهش‌های داور شده، به‌نظر می‌رسد عنوان «لوح امیرخان» نخستین بار در Buck (1996) به‌کار رفته است. این لوح در اثر استیون فلیپس (Steven Phelps)، با عنوان *A Partial Inventory of the Works of the Central Figures of the Bahá'í Faith*، با نشانۀ -«AB05069. Tablet to Amir Khán» به سهولت نمایه شده است (Phelps, 2025، ص ۱۰۷۵).

جدول زیر (جدول ۱) به درخواست باک و به قلم ادیب معصومیان تنظیم شده و با کسب اجازه، در اینجا در قالبی اقتباسی بازنشر می‌گردد.

هو الله

ای بنده الهی شکایت از عدم اتقان در صنایع متعدده نموده بودید. تعدد صنایع سبب تفریق حواس است. به یکی از این صنعت‌ها اهتمام کلی نما و جهد و کوشش کن تا اتقان نمائی، این بهتر از آنست که صنایع متعدده همه ناقص ماند. اهل

امریک در ازمنه قدیمه از جهت شمال نزدیک به آسیا بودند یعنی خلیجی فاصله است. لهذا از آن جهت گویند عبور و مرور شده است و علائم دیگر نیز دلالت بر مراده نماید اما به محلی که صیت نیوت نرسد آن نفوس معذورند. در قرآن می‌فرماید و ما کنا معدبین حتی نبعث رسولا. البتّه در آن صفحات نیز در ازمنه قدیمه وقتی ندای الهی بلند گشته و لکن حال فراموش شده است. از خدا می‌طلبیم که خدا شما را تأیید فرماید تا صنعتی از صنایع را تکمیل فرمائید و علیک التّحیّة و التّناء. ع ع

O servant of God! Thou hadst complained about (thine) inability to attain perfection in more than one craft. A multiple number of crafts causeth (one's) perceptions to become scattered. Endeavor in one of these crafts and strive and exert thyself to attain perfection therein. This is better than having a number of crafts (all) remain in a state of imperfection.

In ancient times the people of America were, through their northern regions, close to Asia, that is, separated from Asia by a strait. For this reason, it hath been said that crossing had occurred. There are other signs which indicate communication.

As to places whose people were not informed of the appearance of Prophets, such people are excused. In the Qur'an it hath been revealed: "We will not chastise them if they had not been sent a Messenger."

Undoubtedly in those regions the Call of God must have been raised in ancient times, but it hath been forgotten now.

I will supplicate God to confirm thee in attaining perfection in one of the crafts.

And upon thee be greetings and praise.

۲.۳. ترجمه مجاز لوح حضرت عبدالبهاء به امیرخان

جدول سه‌ستونی بالا متن اصیل فارسی لوح را (Abdu'l-Bahá, 2005، صص. ۱۷۷-۱۷۸، § ۲۴۷) به‌همراه آوانگاری، «ترجمه موقت تلفیقی» (بندهای ۱، ۵ و ۶) و نیز «ترجمه مآذون» (بندهای ۲-۴) ارائه می‌کند (Abdu'l-Bahá, n.d.). در ادامه، شرحی کوتاه بر ترجمه مآذون آورده می‌شود (Abdu'l-Bahá, Bahá'í Reference Library, 2025؛ که از این پس «BRL 2025» خوانده می‌شود؛ www.bahai.org/r/760585775؛ دسترسی در ۱۸ اوت ۲۰۲۵) و به ترجمه‌های موقت پرداخته نمی‌شود. افزون بر توصیه‌های شخصی، لوح حضرت عبدالبهاء به امیرخان آشکارا به چهار مسئله می‌پردازد:

- ۱) چگونه می‌توان در هنرها و صناعات، مهارت بیشتری یافت؟
- ۲) آیا نیاکان بومیان آمریکای شمالی از تنگه برینگ عبور کرده‌اند؟
- ۳) سرنوشت کسانی که از آخرین پیام‌آور خدا بی‌خبرند چیست؟
- ۴) آیا پیام‌آورانی از سوی خدا به آمریکای شمالی فرستاده شده‌اند؟

نظر به این‌که بندهای ۱، ۵ و ۶ از «لوح حضرت عبدالبهاء به امیرخان» ناظر به پاسخ‌های شخصی است و با موضوع این مقاله ارتباطی ندارد، در اینجا بیش از این بدان‌ها پرداخته نخواهد شد.

در باب بند ۲، به‌نظر می‌رسد حضرت عبدالبهاء به اجماع پژوهشی غالب در ادبیات علمی معاصر («چنین گفته شده است»)

درباره این نظریه اشارت دارند که «پل زمینی برینگ» (که به «برینگیا» نیز شهرت دارد) زمانی سیبری و آلاسکا را به هم پیوند می‌داده است و در این باب نوعی وفاق ضمنی نیز وجود دارد (یعنی «نشانه‌های دیگری که بر ارتباط دلالت می‌کند»). با آن‌که نظریه پل زمینی برینگ در جامعه علمی به‌طور گسترده پذیرفته شده است (Farmer et al., 2023)، بسیاری—اگر نگوئیم اکثریت—از مردمان بومی قاره آمریکا، از منظرهای فرهنگی، تاریخی، روحانی، و علمی، با این نظریه به‌عنوان تنها، یا حتی اصلی‌ترین، تبیین ورود نیاکان خود به قاره‌های آمریکا مخالفت می‌ورزند (Deloria, 2021).

از عبارت پیشین برمی‌آید که منظور از «جاهایی که مردم آن از ظهور پیامبران (نبوت) آگاه نبودند» در درجه نخست قاره آمریکا بوده است—هرچند پاسخ صورتی عام دارد. حضرت عبداللها در تأیید این نکته به آیه ۱۵ سوره اسراء استناد می‌فرماید که می‌گوید: «مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ تَبْعَثَ رَسُولًا»

«هر کس هدایت یابد، جز به سود خویش هدایت نیافته است؛ و هر کس گمراه شود، جز به زیان خویش گمراه نشده است؛ و هیچ‌نفسی بار دیگری را بر نمی‌دارد؛ و ما هرگز [کسی را] عذاب نمی‌کنیم مگر آن‌گاه که پیام‌آوری بفرستیم.» (قرآن ۱۷:۱۵، ترجمه Arberry، با تأکید افزوده؛ Quranic Arabic Corpus 2025، دسترسی: ۱۸ اوت ۲۰۲۵).

در اینجا واژه عربی «پیام‌آور» *rasūlan* (رسولاً) است. اسم *rasūl* (رسول، «پیام‌آور/فرستاده») ۳۳۲ بار در قرآن آمده است (Quranic Arabic Corpus 2025). از آن‌جا که می‌توان پرسش محتمل را از پاسخ روشن داده‌شده استنباط کرد، به احتمال قوی امیرخان از حضرت عبداللها درباره «ظهور پیامبران» در میان «اهل آمریکا» «در ازمنه قدیمه» پرسیده بوده است؛ و حضرت در پاسخ به قرآن ۱۷:۱۵ استناد فرموده‌اند که در آن تعبیر «پیام‌آوری» (*rasūlan*) به‌کار رفته است. این نکته بستر معنایی عبارت بعدی را فراهم می‌سازد.

عبارت «البته در آن صفحات نیز در ازمنه قدیمه وقتی ندای الهی بلند گشته و لکن حال فراموش شده است» پاسخی مثبت و مؤگد است که بر قطعیت کامل دلالت دارد. اما درباره تعبیر کلیدی «ندای الهی» (*nidā-yi ilāhī*) باید گفت: این تعبیر، پیش و بیش از هر چیز به پیامی اشاره دارد که به‌دست پیام‌آوری از سوی خدا آورده می‌شود؛ چنان‌که متون دیانت بهانی ذیل نشان می‌دهند:

«چنین است که بهر استی می‌گویم: امروز روزی است که نوع بشر می‌تواند جمال موعود را مشاهده کند و آوای او را بشنود. ندای الهی [*nidā-yi ilāhī*] بلند گشته و نور جمالش بر مردمان تافته است. بر هر انسانی سزاوار است که اثر هر سخن بیهوده را از لوح دل خویش بزدايد و با ذهنی گشاده و بی‌طرف، در آیات ظهورش، براهین رسالتش و نشانه‌های جلالش نظر کند.» (بهاءالله، BRL 2025، www.bahai.org/r/712711887، دسترسی: ۱۸ اوت ۲۰۲۵).

«این روز، روز دیدن است؛ زیرا که وجه الهی بر افق ظهور در نهایت درخشش تابان است. این روز، روز شنیدن است؛ زیرا که ندای الهی [*nidā-yi ilāhī*] بلند است. بر هر کس در این روز شایسته است که بدانچه از سوی آن‌که منزل گنبد، مشرق وحی، سرچشمه دانش و منبع حکمت الهی است نازل شده، تمسک جوید و آن را اعلام نماید.» (بهاءالله، BRL 2025، www.bahai.org/r/384392688، دسترسی: ۱۸ اوت ۲۰۲۵).

این دو فقره نمونه‌ای، گواهی دیگر است بر این‌که هم حضرت باب و هم حضرت بهاءالله «ندای الهی» را برای این روزگار برافراشتند. با این همه، این متون به‌روشنی و به‌صراحت از «ندای الهی» به‌منزله تعبیر وحی‌های الهی آورده‌شده از سوی

هر یک سخن می‌گویند. همان‌گونه که نجاتی آلکان یادآور می‌شود: «بیان حضرت عبدالبها در لوح امیرخان صریح و بی‌ابهام است. چه کسی جز پیامبران یا رسولان می‌تواند “ندای الهی” را بلند کند؟» (نقل به واسطه Buck, 2014a).

«ندای الهی» همچنین به‌نحو پشتیبانان‌های از سوی حضرت عبدالبها «در اطراف عالم» برافراشته شد: «این همه امور، مایه سرور قلب است؛ و با این‌حال عبدالبها در دریایی از حزن فرو رفته است، و درد و اندوه چنان بر اعضا و جوارح من اثر نهاده که ضعفی تمام بر سرپای جسم مستولی گشته است. بدانید که هنگامی که تنها و یگانه بی‌هیچ یآوری—من ندای حق [nidā-yi haqq] را در اطراف عالم برافراشتم، اهل آن به مخالفت و مجادله و انکار برخاستند.» (Abdu'l-Bahá, 1978, p. 229؛ BRL 2025، www.bahai.org/r/586739836، دسترسی: ۱۸ اوت ۲۰۲۵).

بایسته است گفته شود که در این‌جا حضرت عبدالبها تصریح می‌فرماید که شخصاً «ندای الهی» را در پهنه جهان برافراشته‌اند؛ مقصود تعالیم حضرت بهاء‌الله است—همان کسی که نخست «ندای الهی» را بلند کرد—و حضرت عبدالبها سراسر عمر خویش را وقف آن نمودند؛ رسالتی که به‌گواه تاریخ، با سفرهای بین‌المللی و مکاتبات گسترده جهانی پی گرفته شد و به‌دقت ثبت و تأیید گردیده است. این فرازها دلالت می‌کند که «ندای الهی» در نهایت به وحی ربانی باز می‌گردد که به «مظهر ظهور الهی» (در گفتمان دیانت بهائی: تجلی الهی بی‌تجسد، از رهگذر پیام‌آوری الهام‌یافته) نسبت داده می‌شود.

بیانی که در پی می‌آید—«ولکن حال فراموش شده است»—حکم کلی دارد؛ به‌گونه‌ای که قید «البته» در عبارت «البته» در آن صفحات نیز در ازمنه قدیمه وقتی ندای الهی بلند گشته و لکن حال فراموش شده است» ناظر و حاکم بر جزء دوم جمله نیست، و تعمیم آن به «حال» خلاف واقع خواهد بود. در این‌جا «فراموش شده است» به قید «حال» مقید است؛ یعنی «اکنون/زمان حاضر» (حال). چنین وضعیتی ممکن است در زمان نگارش لوح صادق بوده باشد، اما به‌هیچ‌روی به معنای «اکنون و برای همیشه» نیست و راه را بر کشف یا بازکشف میراث‌های روحانی بومی در آینده نمی‌بندد. این امکان آشکارا گشوده می‌ماند—خاصه برای پژوهش‌های بعدی.

۲.۴. «حماسه دگاناویدا» به‌مثابه نمونه محوری تأییدکننده لب‌و لباب لوح حضرت عبدالبها به امیرخان

آنچه فراموش شده است، می‌تواند به یاد آورده شود یا بازکشف گردد. برای نمونه، به تعالیم دگاناویدا، «مصلح»، بنگرید که چندین روایت اصیل و معتبر از آن—که در مجموع «حماسه دگاناویدا» خوانده می‌شود—بر جای مانده است. «حماسه دگاناویدا» که به «کایانرنکو:وا» (Kayanerenkó:wa) یا «قانون کبیر صلح» نیز شناخته می‌شود (Williams, 2018)، پیکره‌ای از ادبیات شفاهی مقدس ایروکوی‌ها (هاودنوشونی/Haudenosaunee) است که روایت می‌کند چگونه پیام‌آور دگاناویدا—«مصلح»—به همراه سخنور هیواوا، به جنگ‌های میان‌قبیله‌ای پایان دادند و آنچه را که به‌طور عام «کنفدراسیون ایروکوی» نامیده می‌شود بنیان نهادند. «حماسه دگاناویدا» متن واحدی نیست، بلکه چرخه‌ای از روایات است که در بیش از چهل نسخه ثبت شده—به زبان‌های اونوندگا (Onondaga)، موهاک (Mohawk)، اونایدا (Oneida)، سنکا (Seneca) و نیز انگلیسی—حفظ شده است. این چرخه به ولادت معجزه‌آسای دگاناویدا، سفر او با بلم از فراز دریاچه اونتاریو، «تاریکی ذهن» که قوم‌های درگیر جنگ را فراگرفته بود، دگرگونی هیواوا، آیین تسلیم که اندوه را التیام بخشید، و پیریزی اتحادی تاریخی پنج—و پس‌تر شش—ملت کنفدراسیون می‌پردازد (Buck, 2016).

«حماسه دگاناویدا» نمونه‌ای است در میان طیف تاریخی متنوعی از مرجعیت روحانی بومی که لوح حضرت عبدالبها به امیرخان در پی تصدیق و به رسمیت‌شناختن آن است. این متن بومی معتبر نشان می‌دهد که چگونه تعالیم الهیاتی و اجتماعی پیچیده‌ای از سوی پیام‌آوران بومی پیشاستعماری در قاره آمریکا—در قبایل و ملت‌های گوناگون—پدید آمده است؛ همان

سنخ هدایت الهی که حضرت عبدالبها تصریح می‌فرمایند: «البته در آن صفحات نیز در ازمنه قدیمه وقتی ندای الهی بلند گشته و لکن حال فراموش شده است.» در میان روایت‌های موجود، در باب اتحاد (Gibson) *Concerning the League* (et al., 1992) متنی مقدس بومی است که به‌منظر نگارندگان، سزاوار شناسایی به‌منابه بخشی از ادبیات جهانی ماست. (نک: Buck 2016, p. 84): «از منظر پدیدارشناختی، حماسهٔ دیگاناویدا—بالأخص در باب اتحاد که در ۱۹۱۲ به املا و نقل رئیس جان آرتور گیسیون فراهم آمد—با متون مقدس ادیان بزرگ جهان قیاس‌پذیر است و بدین اعتبار به ادبیات جهانی تعلق دارد.»

همچنین، نجاتی آلکان، پژوهشگر مستقل بهائی، یادآور می‌شود: «به نظر می‌رسد که مصلح، در “ازمنهٔ قدیمه” (یعنی در دورهٔ پیش از تماس با اروپاییان)، «ندای الهی» را برافراشت. این سخن راست می‌نماید؛ به‌تمامی با وصف حضرت عبدالبها در لوح امیرخان سازگار است. در ژرفای تعالیم دیگاناویدا تردیدی نیست؛ این تعالیم با تعالیم بهائی طنین نیرومند دارد—در هماهنگی‌اند و پژواک یکدیگرند.» (نقل به‌واسطهٔ Buck, 2014a).

پیام انقلابی «مصلح» سه اصل بنیادین را در بر می‌گیرد—«پیام نیک»، «قدرت»، و «صلح»—که به‌طرزی چشمگیر با درون‌مایه‌های محوری ادیان جهان هم‌نواست: پایان‌دادن به خشونت، یگانگی هم‌مردمان به‌منابه یک خانواده، و استقرار صلحی پایدار از رهگذر دگرگونی روحانی. این متن مقدس بومی گواهی قاطع بر مدّعی مرکزی لوح حضرت عبدالبها به امیرخان است مبنی بر این‌که قاره آمریکا از پیام‌آوران اصیل الهی بهره‌مند شده‌اند و تعالیم آنان از طریق سنت‌های شفاهی و مکتوب محفوظ تا امروز در دسترس است. با استناد به این حماسه در چارچوب «تعلیم ظهور تدریجی»، نویسندگان نشان می‌دهند که سنت‌های حکمت بومی—بس دور از آن‌که «بازمانده‌های فراموش‌شدهٔ گذشته» باشند—هنوز نیز تعالیم روحانی دگرگون‌ساز عرضه می‌کنند که با نیازهای جهانی معاصر به صلح، یگانگی و عدالت هم‌نواست.

لوح امیرخان در نظر نخست شاید صرفاً چونان اندرزهای شخصی یا پاسخ به پرسش‌های پراکنده بنماید و نه بیش. اما بررسی ژرف‌تر، دلالت‌های بنیادین تصریح حضرت عبدالبها را در آن لوح آشکار می‌سازد؛ همان تصریح که می‌فرماید: «البته در آن صفحات نیز در ازمنه قدیمه وقتی ندای الهی بلند گشته و لکن حال فراموش شده است.»

دل‌بستگی پژوهشی و نیز علاقهٔ عمومی بهائیان به «لوح امیرخان» (عنوانی که این متن بدان شناخته شده است) نسبتاً تازه است؛ چنان‌که در ادامه ثبت و بازگفته می‌شود. پیش از آن، گزیده‌هایی از لوح امیرخان در قالب چند «یادداشت» (Memorandum) از سوی «بخش پژوهش بیت‌العدل اعظم» انتشار یافته بود که در بخش‌های پسین به اشاراتی بدان‌ها برمی‌خوریم. نخست، مرور فشرده‌ای از پیش‌زمینه و بافتار ارائه می‌گردد تا نشان دهد چگونه موضوع پیام‌آوران بومی خداوند در چند دههٔ گذشته به‌نحوی چشمگیر در گفتمان دیانت بهائی پدیدار و پرورده شد.

۲.۵. مرور پژوهش‌های پیشین دربارهٔ لوح حضرت عبدالبها به امیرخان

دل‌بستگی پژوهشی به «لوح امیرخان» زمانی پدیدار شد که توجه قابل‌ملاحظه‌ای به این عبارت معطوف گردید: «البته در آن صفحات نیز در ازمنه قدیمه وقتی ندای الهی بلند گشته...» [مراد از «آن صفحات»، قاره آمریکا است]. پیش از ژوئن ۱۹۹۳، باک مقاله‌ای دعوتی با عنوان «*Native Messengers of God in Canada?: A Test Case for Bahá'í*» به *Journal of Bahá'í Studies* ارسال کرد (Buck, 1993). سپس دکتر وندی مومن این مقاله را به‌جای نویسنده و به‌صورت غیابی در «سمینار مطالعات بهائی» (انجمن مطالعات بهائی، اروپای انگلیسی‌زبان) که در ژوئن ۱۹۹۳ در نیوکاسل آپون تاین بریتانیا برگزار شد ارائه کرد.

پس از آن، مقاله‌ای انتشار نیافته با عنوان «*American Indian Religion and the Bahá'í Faith*» که در اصل به قلم دکتر جوزف وایکسلمن نوشته شده بود برای دانشنامه بهائی ارسال شد. این مقاله بعدتر توسط ژکلین لفت هَند بل (Bahaipedia, 2025) بازنگری، و سپس به‌دستِ دکتر موژان مومن و دکتر وندی مومن ویراسته شد و در نهایت آخرین ویرایش ژکلین لفت هَند بل برای نشر در دانشنامه بهائی صورت پذیرفت که برشی از آن چنین است:

۲. پیامبران بومی آمریکای شمالی[:]: [...] «در حالی‌که در متون مقدّس دینان بهائی هیچ پیام‌آور الهی مشخصی که در آمریکای شمالی ظهور کرده باشد نام برده نشده است، حضرت عبدالبهاء که به‌ظاهر ناظر به وجود چنین پیام‌آورانی در میان مردمان بومی آمریکا هستند—می‌فرمایند: "البته در آن صفحات نیز در ازمنه قدیمه وقتی ندای الهی بلند گشته... " (یادداشت بخش پژوهش بیت‌العدل اعظم). بر وفق تعلیم ظهور تدریجی در دینان بهائی، تعالیم این استادان روحانی بومی راه را هموار کرده و مردمان را برای آمدن بهاء‌الله مهیا ساخته است.» (Bull & Weixelman, 1994)؛ به‌کوشش طرح دانشنامه بهائی، به‌نقل از مکاتبه شخصی ایمیلی ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۴ با گیل موریسون، دبیر هماهنگ‌کننده طرح).

این مقاله هنوز برای انتشار در دانشنامه بهائی پذیرفته نشده بود، اما به‌طور جدی تحت بررسی قرار داشت (Bull & Weixelman, 1994). (توضیح: «دین سرخپوستان آمریکا و آیین بهائی» مقاله‌ای پیش‌نویس و منتشر نشده است که برای احتمال گنجاندن در دانشنامه بهائی — طرحی در دست اجرا از سوی محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده آمریکا — نگاشته شده است. این اثر به شکل کنونی در دانشنامه بهائی منتشر نخواهد شد و نباید نماینده این پروژه تلقی شود. این متن با لطف و مجوز طرح دانشنامه بهائی، توسط گیل موریسون، دبیر هماهنگ‌کننده طرح دانشنامه بهائی، در مکاتبه شخصی (ایمیلی) به تاریخ ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۴ ارائه شده است).

در یادداشت‌های آغازین، فضای پس از عبارت «تأیید شده» خالی گذاشته شده بود. موژان مومن، سردبیر دانشنامه بهائی، این توضیح را اضافه کرده بود: «در متون مقدس آیین بهائی، پیام‌آوران مشخصی که در آمریکای شمالی ظهور کرده باشند نام برده نشده‌اند؛ اما حضرت عبدالبهاء — که آشکارا به وجود چنین پیام‌آورانی در میان مردم بومی آمریکا اشاره دارند — می‌فرمایند: "بی‌شک در آن مناطق [آمریکا] نیز در ازمنه‌ی قدیم، ندای حق بلند بوده است..." (یادداشت بخش پژوهش [بیت‌العدل اعظم])» (تک: Momen 1995؛ نقل در Buck 1995). در بخش «کتابنامه»، هر چند به مقاله‌ی منتشر نشده‌ی باک در سال ۱۹۹۳ با عنوان «پیام‌آوران بومی خدا در کانادا؟» (Buck 1993) ارجاع داده شده بود، اما به کتاب شاخص وینسون براون در این زمینه، صدای زمین و آسمان: زندگی رؤیایی بومیان آمریکا (*Voices of Earth and Sky*)؛ همچنین انتشارات Naturegraph کتاب منظوم بلند ارباب سپیددم: کتسالکوآتِل، مار بالدار مکزیک (*The Vision Life of the Native Americans*) (Brown 1974, 1976) اشاره‌ای نشده بود. همچنین انتشارات Lord of the Dawn: کتاب منظوم بلند ارباب سپیددم: کتسالکوآتِل، مار بالدار مکزیک (*Quetzalcoatl, the Plumed Serpent of Mexico*) (Shearer 1971) را — درباره‌ی حامل حکمت و فرمانروای باستانی تولتک — منتشر کرده بود.

در همین اثنا، در بحثی درباره‌ی لوح حضرت عبدالبهاء به امیرخان (البته نه با این عنوان) در فهرست‌نامه‌ی خصوصی اینترنتی اکنون‌منحل «تالیسمن» (Talisman Archives 1994–1996)، موژان مومن این حاشیه‌ی تحریری مهم را تأیید کرد: «در واقع، بیانی از حضرت عبدالبهاء درباره‌ی آمریکا وجود دارد که مفادش چنین است: "البته در آن صفحات نیز در ازمنه‌ی قدیمه ندای الهی بلند گشته..." (یادداشت بخش پژوهش بیت‌العدل اعظم، "زرتشت و بودا: همزمانی مظاهر"، ۲۴ مه‌ی ۱۹۸۸ [Research Department 1988]). من استدلال می‌کنم که این، معادل اذعان حضرت عبدالبهاء به وجود مظاهر الهی آمریکایی {اشاره به اصلاح: American به جای America} است و من عبارتی با این مضمون را به

مقاله‌ی "دین بومیان آمریکا و آیین بهائی" که برای دانشنامه‌ی بهائی در نظر گرفته شده بود، افزودم.» (Momen 1995)؛ نقل به واسطه‌ی (Buck 1995).

مقاله «پیام‌آوران بومی خدا در کانادا؟: آزمونی برای جهان‌شمولی بهائی» (Native Messengers of God in Canada?: A Test Case for Bahá'í Universalism) که در اصل برای انتشار در «مجله‌ی مطالعات بهائی» (*Journal of Bahá'í Studies*) در نظر گرفته شده بود، در نهایت در «مرور مطالعات بهائی» (*Bahá'í Studies*) به چاپ رسید (Buck 1996).

در «دایرةالمعارف موجز دیانت بهائی» (Smith 2000b, *A Concise Encyclopedia of the Bahá'í Faith*)، پیتر اسمیت به طور خلاصه به جوهر و لب‌و‌لباب لوح حضرت عبدالبهاء به امیرخان (بدون ذکر نام آن) در دو مدخل «پیامبران» (Prophets) (2000a) و «ادیان بومی» (Indigenous Religions) (2000b) اشاره کرده است (این دو باید با ارجاع متقابل و در کنار هم خوانده شوند). او می‌نویسد:

«حضرت عبدالبهاء به‌صراحت بیان کرده‌اند که ندای حق بی‌گمان در گذشته در قاره‌ی آمریکا برافراشته شده است.» (Smith 2000b, p. 196).

و در ادامه می‌آورد: «به این ترتیب، برخی از بهائیان، شخصیت‌هایی چون پیامبران بومی آمریکای شمالی — ویرکوچا (اینکا)، کنتسالکوآتل (تولتک) و دگاناویدا (ایروکوی) — را به عنوان پیام‌آوران الهی قلمداد می‌کنند.» (Smith 2000a, p. 279).

این دو مدخل از آن جهت حائز اهمیت‌اند که پذیرشی فزاینده (که البته هنوز به اجماع نرسیده است) نسبت به این برداشت از لوح حضرت عبدالبهاء به امیرخان را نشان می‌دهند.

در کتاب «عقل و وحی: جهت‌گیری‌های نو در اندیشه‌ی بهائی» (*Reason and Revelation: New Directions in Bahá'í Thought*) به ویراستاری سینا فاضل و جان دانش، فصلی تحت عنوان «جهان‌شمولی بهائی و پیامبران بومی» (*Bahá'í Universalism and Native Prophets*) منتشر شد (Buck 2002). همچنین، در «مجله‌ی آنلاین مطالعات بهائی» (*Online Journal of Bahá'í Studies*) (که تحت نظارت محفل روحانی ملی بهائیان نیوزیلند منتشر می‌شود)، مقاله‌ای ۹۱ صفحه‌ای با عنوان «بازنگری پیام‌آوران خدا در آمریکای شمالی: تفسیری بر لوح عبدالبهاء به امیرخان» (*Messengers of God in North America Revisited: An Exegesis of 'Abdu'l-Bahá's Tablet to Amir Khán*)، به قلم مشترک باک و دکتر دونالد ادیسون (از قبیله‌ی چاکتاو) به صورت آنلاین انتشار یافت (Buck and Addison 2007).

در سال ۲۰۱۶، مؤژان مؤمن در مقاله‌ای برای دانشنامه‌ی ایرانیکا (*Encyclopædia Iranica*) با عنوان «مظهر الهی» (*Mazhar-e Eláhi (Manifestation of God)*)، تا حدودی چنین نوشت:

«علاوه بر کسانی که در کتاب مقدس و قرآن ذکر شده‌اند — همچون ابراهیم، موسی، عیسی و محمد — متون معتبر آیین بهائی، زرتشت، کریشنا و بودا را نیز به عنوان مظاهر الهی به رسمیت می‌شناسند و تأکید می‌کنند که "بسیاری دیگر" نیز برای نوع بشر آمده‌اند که ممکن است نام‌هایشان از میان رفته باشد، از جمله — به عنوان مثال — در میان مردمان بومی آمریکا» (Momen 2016). (Bahá'í-Alláh 1984, no. 87, 115–16; tr., 84 [sic: 87]; Fázal Mázandarání, 46–47). مؤژان مؤمن نیز، همانند پیتر اسمیت، به جوهر و لب‌و‌لباب لوح عبدالبهاء به امیرخان اشاره کرده است؛ اما نه با بردن نام صریح لوح، بلکه با ارجاع دادن به «فاضل مازندرانی، ۴۶–۴۷» (ر.ک: فضل‌الله مازندرانی، امر و خلق،

۱۹۸۵-۱۹۸۶، صص ۴۶-۴۷ که در آن به لوح عبدالبهاء به امیرخان استناد شده است، متن فارسی اصلی). ارجاع دیگر مؤمن به (Bahá'u'lláh 2006, pp. 115-16 [§ 87]، متن فارسی اصلی) و (Bahá'u'lláh 1990, pp. 172-75 [§] و (LXXXVII, i.e., § 87، ترجمه‌ی انگلیسی شوقی افندی) بازمی‌گردد که بخشی از آن چنین می‌گوید: (متن انگلیسی نقل شده توسط مؤمن که در ادامه می‌آید):

Our purpose in revealing these words is to show that the one true God hath, in His all-highest and transcendent station, ever been, and will everlastingly continue to be, exalted above the praise and conception of all else but Him. His creation hath ever existed, and the Manifestations of His Divine glory and the Daysprings of eternal holiness have been sent down from time immemorial, and been commissioned to summon mankind to the one true God. That the names of some of them are forgotten and the records of their lives lost is to be attributed to the disturbances and changes that have overtaken the world.

"مقصود از این بیانات آنکه لمیزل حقّ در علوّ امتناع و سموّ ارتفاع خود مقفّس از ذکر ما سواه بوده و خواهد بود و خلق هم بوده و مظاهر عزّ احدیّه و مطالع قدس باقیه در قرون لا اولیّه مبعوث شده‌اند و خلق را بحقّ دعوت فرموده‌اند و لکن نظر باختلافات و تغییر احوال عالم بعضی اسماء و اذکار باقی نمانده در کتب ذکر طوفان مذکور و در آن حادثه آنچه بر روی ارض بوده جمیع غرق شده چه از کتب تواریخ و چه غیره و همچنین انقلابات بسیار شده که سبب محو بعضی امور محدثه گشته و از این مراتب گذشته در کتب تواریخ موجوده در ارض اختلاف مشهود است و نزد هر ملّتی از ملل مختلفه از عمر دنیا زکری مذکور و وقایعی مسطور بعضی از هشت‌هزار سال تاریخ دارند و بعضی بیشتر و بعضی دوازده‌هزار سال و اگر کسی کتاب جوک دیده باشد مطلع میشود که چه مقدار اختلاف مابین کتب است انشاءالله باید بمنظر اکبر ناظر شد و توجّه را از جمیع این اختلافات و اذکار برداشت" (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله - (لوح عبدالرزاق) و اینکه سؤال شده بود که چگونه ذکر انبیای قبل از آدم ابو البشر).

به‌عنوان پشتوانه‌ی ضمنی برای لوح حضرت عبدالبها به امیرخان، می‌توان به بیانی از حضرت بهاءالله در (تفسیر «وَالشَّمْسُ» / شرح سوره شمس) استناد کرد (ر.ک: مدخل «BH00271» در A Partial؛ Phelps, 2025, p. 34

Inventory of the Works of the Central Figures of the Bahá'í Faith

{نمایه‌ای جزئی از آثار شخصیت‌های مرکزی دیانت بهائی} (شوقی افندی بخشی از این تفسیر را در بند ۸۹ §) LXXXIX از *Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh* {گزیده‌هایی از آثار حضرت بهاءالله} ترجمه کرده است (Bahá'u'lláh, 1990, pp. 175-177؛ <https://www.bahai.org/r/354078886>). ترجمه موقت نصرالله محمدحسینی از این گزاره بسیار مهم جهان‌شمولی چنین است: «هر یک از ملت‌های جهان به نوری از این خورشیدهای درخشان روشن گشته است.»

آوانگاری (به نقل از باک): *Kamā tarā inna kulla millatin min milali al-arḍi istadā'at bi-shamsin min .hādhihi al-shumūsi al-mushriqa*
متن عربی اصلی: «كما ترى إنّ كلّ مِلَّةٍ من مِلل الأَرْض استضاءتْ بِشَمْسٍ من هذه الشُّموسِ المُشْرِقة.»

این عبارت مصداق یک «جهان‌شمولی» است—به تعبیر *Oxford English Dictionary* (فرهنگ انگلیسی آکسفورد) «اصلی که انسانیت را به‌منزله‌ی یک کل واحد در نظر می‌گیرد، نه بر حسب ملت‌ها و نژادها و امثال آن» (مدخل *universalism*، بند 2؛ Oxford English Dictionary, 2025b؛ زیرا «هر ملت» به‌وضوح نیم‌کره غربی و

مردمان بومی ساکن در آن را نیز در بر می‌گیرد. پژوهشگران دیگری چون مؤثران مؤمن (Momen, 2016) و پیتر اسمیت (Smith, 2000a; 2000b) نیز با این برداشت همداستان‌اند. در پیوند با لوح حضرت عبدالبها به امیرخان نصرت‌الله محمدحسینی نیز تصریح کرده است: «پاسخ: بلی، به‌ویژه از آن‌رو که حضرت عبدالبها در لوح خود به امیرخان به‌صراحت دلالت می‌فرمایند که مظاهر الهی به قاره آمریکا فرستاده شده‌اند؛ وانگهی، چند متن دیگر بهائی نیز به‌وضوح همین معنا را تلویحاً افاده می‌کنند.» (Buck & Mohammadhosseini, 2019).

در اینجا شایسته است به‌اختصار از مجموعه «Indigenous Messengers of God (پیام‌آوران بومی خدا)» یاد شود؛ مجموعه‌ای که در آن کوین لاک (لاکوتا) و کریستوفر باک به‌طور مشترک نویسندهٔ ۷۳ مقاله از مجموع ۱۰۹ مقاله بوده‌اند (Buck et al., 2014–2022)؛ نیز بنگرید: Buck, 2024 برای فهرست هر ۱۰۹ مقاله همراه با پیوندهای برخط)، و روش‌شناسی «دیدن با دو چشم» (Two-Eyed Seeing) در آن به‌کار بسته شده است (Buck & Locke, 2022). این سلسله با چند مقاله دربارهٔ «لوح حضرت عبدالبها به امیرخان» آغاز می‌شود و در سراسر مجموعه، به‌طور پراکنده، بدان ارجاع می‌دهد (passim).

موضوعات ارائه‌شده در «پیام‌آوران بومی خدا» عبارت‌اند از:

۱) Deganawida, the Peacemaker (دیگاناویدا، «مصلح»؛ ۲) White Buffalo Calf Woman (بانوی «گوسالهٔ گاو میش سفید»؛ ۳) Breath Maker (آفرینندهٔ نفس)؛ ۴) Sweet Medicine (داروی شیرین/حکمت شیرین، از سنت شاین)؛ ۵) Lone Man (مرد تنها)؛ ۶) Quetzalcoatl (کنترآلکواتل، «مار پرداز»؛ ۷) Viracocha (ویرکوچا)؛ ۸) Mother Corn (مادر ذرت)؛ ۹) Iyatiku (Corn Woman) (ایاتیکو/«زن ذرت»؛ ۱۰) Talking God (خدای سخنگو)؛ ۱۱) Gluskap (گلوکسکاپ)؛ ۱۲) Wesakechak (وساکیچاک)؛ ۱۳) Nanabush (نانابوش)؛ ۱۴) Chinighnich (چینیگ‌چینیچ)؛ ۱۵) Marumda (مارومدا)؛ ۱۶) Ulikron (آلی‌کرون)؛ ۱۷) Ibeorgun (ایبئورگون)؛ ۱۸) Tunapa (توناپا)؛ ۱۹) Kuuchamaa (کوچالاما)؛ ۲۰) Bochica (بوچی‌کا)؛ ۲۱) Bunjil (بُنجیل)؛ ۲۲) Rainbow Serpent (مار رنگین‌کمان)؛ ۲۳) The Yam Prophet (پیامبر «پام»/غدهٔ خوراکی)؛ و ۲۴) Raven (کلاغ). (Buck et al., 2014–2022)؛ برای فهرست جامع با پیوندها: (Buck, 2024). از جونا وینترز و آرین بلهویس به‌سبب انتشار کتاب‌شناسی این مجموعهٔ ۱۰۹ مقاله‌ای «پیام‌آوران بومی خدا» در «Bahá'í Library Online» (کتابخانهٔ بهائی برخط) سپاسگزاری ویژه شده است (Bahá'í Library Online, 2025)؛ مکاتبات شخصی از راه پست الکترونیک، ۴–۵ ژانویهٔ ۲۰۲۵).

علاوه بر این، از حیث تاریخ‌نگاری، آگاهی‌بخش و بایسته است که روشن شود چگونه مردمان بومی آمریکا در میانهٔ دههٔ ۱۹۹۰ با برگزاری «حلقه‌های گفت‌وگوی بومی» (talking circles) و نشست‌هایی پیرامون لوح حضرت عبدالبها به امیرخان گرد می‌آمدند و به تعمیق می‌پرداختند. دکتر جوئل اورونا و استر آر. اورونا از ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ به‌عنوان هم‌مدیران مؤسسۀ بهائیان بومی آمریکا (Native American Bahá'í Institute – NABI) خدمت کردند. در پاییز ۱۹۹۵، دکتر اورونا سلسله‌ای چهارگانه و ماهانه از «حلقه‌های گفت‌وگوی بومی» و مباحثات با عنوان «حضرت عبدالبها، لوح امیرخان، و نقش ممتاز مردمان بومی» را سامان داد. شرکت‌کنندگان دربارهٔ نظام‌های دانایی سنتی بومی، باورهای روحانی، «لوح ۱۹۱۶ حضرت عبدالبها خطاب به بهائیان ایالات متحده و کانادا»، و نیز بیان هم‌ارز و مهم ایشان که «البته در آن صفحات نیز در ازمنه قدیمه وقتی ندای الهی بلند گشته و لکن حال فراموش شده است» گفت‌وگو کردند. این گردهمایی‌ها—نه از سر طراحی قبلی، بلکه به سبب موقعیت جغرافیایی مؤسسه که در زررواسیون ناواهو (یعنی ملت ناواهو) قرار داشت—ممکن است نخستین باری بوده باشد که در آن، همۀ شرکت‌کنندگان یک اجتماع بهائی از تبار بومی

بودند. حاضران شامل اعضای از جامعه محلی ناواهو، دکتر اورونا (آپاچی)، همسرش استر (یاکی)، و دیگر مردمان بومی از نواحی پیرامون بودند.

۳. لوح حضرت عبدالبها به امیرخان: دیدگاه بومی آمریکایی

از آنجا که این لوح حضرت عبدالبها با فرهنگ بومی آمریکایی سروکار دارد، ارزیابی آن از منظر بومی اهمیتی ویژه می‌یابد؛ منظری که پیش‌تر به‌ندرت موضوع بررسی بوده است. یکی از نویسندگان این مقاله، مایکل ای. اورونا، از تبار آپاچی و یاخی است و به دیانت بهائی نیز ایمان دارد؛ از این‌رو در جایگاهی ممتاز برای ارائه چنین ارزیابی‌ای قرار دارد. نویسندگان تصریح می‌کنند که رویکردشان به این پژوهش از تجربه زیسته شکل گرفته است، «موقعیت‌مندی» هر نویسنده فهم خاص او را صورت‌بندی می‌کند، و با آن‌که می‌کوشند با نگاهی انتقادی با مواد پژوهش درگیر شوند، نسبت به منظرهای دیگر نیز گوش‌به‌زنگ و پذیرا هستند—و این امر درباره نویسنده بومی به‌ویژه صادق است.

در فرهنگ‌های بومی سراسر جهان، شعر و روایت‌گری نقش رگ‌وریشه‌های حیاتی انتقال دانش، حکمت روحانی، و تداوم فرهنگی را ایفا می‌کنند. این هنرها بسی فراتر از سرگرمی یا بیان هنری‌اند: آن‌ها نظام‌هایی سنجیده و پیچیده برای «حمل» و انتقال حقیقت‌های بنیادینی‌اند که نسل‌های بی‌شمار مردمان بومی را پایدار داشته است. از رهگذر سنت‌های شفاهی، مردمان بومی تاریخ‌های خود، تعالیم روحانی، دانش بوم‌زیست‌محیطی، و راهنماهای اخلاقی‌شان را به شیوه‌هایی حفظ کرده‌اند که از نوشتار فراتر می‌رود.

توان شعر یا روایت‌گری بومی در ماهیت کل‌نگر آن نهفته است. سروده‌های بومی صرفاً روایت‌هایی با آغاز و انجام نیستند، بلکه تعالیم زنده‌ای‌اند که در گذر زمان به‌گونه‌ای حلقه‌وار امتداد می‌یابند و نسل‌های گذشته، حال و آینده را در دایره‌ای بی‌گسست از حکمت به هم می‌پیوندند. آنگاه که سالخوردگان داستانی را باز می‌گویند، صرفاً حکایت رویدادها یا افسانه‌ها نیست؛ بلکه به کنشی قدسی انتقال دست می‌زنند که گوینده، شنوندگان، نیاکان، و نیروهای روحانی جان‌بخش جهان طبیعی و عالم روحانی را درگیر می‌سازد. هر بار روایت یک داستان، لایه‌های تازه‌ای از معنا می‌افزاید و بدین‌سان حکمت کهن را برای رویارویی با چالش‌های معاصر زنده و مؤثر نگاه می‌دارد.

به‌عنوان یک آپاچی و پیرو دیانت بهائی، کتاب شعر دکتر جوئل اورونا با عنوان *The American Indians—Then, Now and Forever* («بومیان آمریکا—دیروز، امروز و تا ابد») (J. Orona, 2019) بازتاب‌دهنده سنت‌های روایت‌گری و شعر سالخوردگان اوست و فهمی بومی را باز می‌نماید که بر آن است «دانش خطی نیست، بلکه به‌ذات ماهیتی دورانی دارد». او با گزینش سنجیده واژگان، الگوهای ریتمیک، و زبان استعاری، آثاری چندلایه می‌آفریند که هم‌زمان دانش سنتی را حفظ می‌کند و با واقعیت‌های روزگار حاضر سخن می‌گوید. ساختار شاعرانه خاص او امکان بیان مفاهیم روحانی پیچیده‌ای را فراهم می‌سازد که اگر به نثر مستقیم و خطی فروکاست می‌شد، کاستی می‌گرفت و دچار کژفهمی می‌گشت. رویکرد دورانی دکتر اورونا به انتقال دانش، پژوهش همان روشی است که در آثار ستوده شاعران برجسته بومی—مانند **لسلی مارمون سیلکو** و **جوی هارجو**—نیز دیده می‌شود؛ شاعرانی که میان حکمت نیاکان و فرم‌های ادبی مدرن پلی استوار می‌زنند. بالین همه، درهم‌تنیدگی تکنیک‌های روایت‌گری سنتی آپاچی با باورها و اصول روحانی معاصر دیانت بهائی در کار دکتر اورونا، جایگاهی یگانه به او و صناعت ادبی ممتازش می‌بخشد تا اهمیتی را که لوح حضرت عبدالبها به امیرخان برای مردمان بومی در این بزنگاه تاریخی قائل است، برجسته سازد.

به‌مثابه شاعری بومی که در سنت روایت‌گری سالخوردگان خویش بالیده است، دکتر اورونا نشان می‌دهد که پاسداران دانش بومی چگونه می‌توانند تعالیمی را درباره درهم‌تنیدگی همه اشکال حیات، قدسیّت سرزمین، و تداوم حضور حکمت

نیاکان کُندگاری کنند. از رهگذر نثر هنری خویش، دکتر اورونا به نسل تازهٔ جوانان بومی یاری می‌رساند تا جایگاه خود را در تبار کهن انتقال دانش بومی بازشناسند و هم‌زمان، ابزارهایی برای رهیافتن در پیچیدگی‌های مدرن، در چارچوب‌های حکمت سنتی، در اختیار داشته باشند.

در شعر «**On Medicine Men** (مظاهر الهی/طبییان قدسی)» (J. Orona, 2019, صص ۱۴-۱۵)، کار دکتر اورونا پلی است میان حکمت کهن و چالش‌های معاصر؛ او با اذعان به نقش مهم «مظاهر الهی» پیشین—که اینجا با عنوان «**Medicine Men**» آمده‌اند—در پرورش روحانی جوامع بومی، این پیوند را نشان می‌دهد:

مظاهر الهی

(طبییان قدسی)

کجایند طبییان قدسی؟

نه آن داروی قرص‌های شیشه‌ای،
با شتاب و آسایش و جلوه،
بلکه راهنمایان فضیلت و شرافت.

جایش، شرکت‌ها نشسته‌اند،

چنگ زده‌اند بر رساندن «خبر».

اگر اندک است، تند است، یا فراوان،

چه کسی عوارض جانبی‌اش را درمان می‌کند؟

کجایند طبییان قدسی،

تا نسل‌های نو را بر دوش گیرند،

با حقایق بسیط،

زاده از حکمت کهن؟

نه پول، نه کشیش پروتستان، نه کشیش کلیسایی، نه شمن،

بلکه آن ارواح وارسته،

که نور می‌بخشند،

چون شمعی در تاریکی.

کجایند طبییان قدسی،

حکیم از رهگذر «ظهورهای تدریجی»،

که هزار معما را شکافتند

و ده‌هزار درد را درمان کردند؟

بی‌اعتبار و انکارشده،

رهایشان کرده‌اند تا در پس‌کرانه‌ها درس دهند،

آنجا که ثروت زیباهش را می‌ریزد،

آنجا که شرکت‌ها و جماعت‌ها سرمایه نمی‌نهند.

با این همه، پادزهرشان هرگز سانسور نمی‌شود؛
زیرا دل‌های آلوده اکسیرشان را می‌جویند،
و جان‌های مجروح
مرهم‌شان را تمنا می‌کنند.

چون از جویبارهای پاک نوشیده‌اند،
و عصارهٔ دشت‌های سبز را بوییده‌اند،
و از چهار سوی جهان همهٔ دانش را در خود گرفته‌اند،
تپه‌ماهورها راه می‌کشایند
بر این طبیبان قدسی،
که در هر روزگار می‌آیند،
در میانهٔ غوغا و آشوب—
می‌بخشند موهبتِ شگفت‌زدگی.
- J. Orona (۲۰۱۹، صص ۱۴-۱۵)

این شعر به‌گونه‌ای صریح و ژرف با «تصدیق روحانی» مندرج در لوح حضرت عبدالبها به امیرخان هم‌اوست، به‌ویژه در بهرسمیت‌شناختن رهبری روحانی بومی در گذر زمان. پرسش آغازین شعر—«کجایند طبیبان؟»—وقتی در کنار تصریح حضرت عبدالبها قرار می‌گیرد که «البته در آن صفحات نیز در ازمنه قدیمه وقتی ندای الهی بلند گشته و لکن حال فراموش شده است»، معنایی ژرف‌تر می‌یابد. هر دو متن از وجود و اهمیت راهنمایان روحانی بومی سخن می‌گویند، هر چند از منظرهایی متفاوت و در روزگاران گوناگون. (دربارهٔ «Medicine Men» به‌منزلهٔ «مظاهر الهی» نک: Buck, 2024؛ Buck et al., 2014–2022).

در پیوند با عبارت «البته»، نویسندهٔ همکار **مایکل اورونا** به یاد می‌آورد که در جوانی—احتمالاً در دههٔ ۱۹۹۰—از پدرش، دکتر **جوئل اورونا**، با لوح امیرخان آشنا شد. دکتر اورونا که در خانواده‌ای بهائی پرورش نیافته بود، پس از مطالعهٔ اسلام، بودیسم و دیگر سنت‌های دینی، در جست‌وجوی «دینی جهانی» که باورها و فرهنگ روحانی بومی او را به رسمیت بشناسد و به یکسان بپذیرد، به دیانت بهائی ایمان آورد. در همین مطالعهٔ اسلام و قرآن بود که نخستین بار با این آیه رویه‌رو شد: «وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ / هر امتی را پیامبری است» (قرآن ۱۰:۴۷، ترجمهٔ Arberry؛ ر.ک: Quranic Arabic Corpus, 2025، <https://corpus.quran.com/translation.jsp?chapter=10&verse=47>، دسترسی: ۱۸ اوت ۲۰۲۵).

در تداوم جست‌وجوی روحانی، دکتر اورونا سرانجام با دیانت بهائی و اصل بنیادین «تعلیم ظهور تدریجی» آشنا شد؛ با آثار حضرت عبدالبها، و بدین‌سان با این معنا که سنت‌های روحانی مردمان بومی بخشی از طرح کلی الهی هدایت‌اند—برداشتی که با باور خلل‌ناپذیر او سازگار بود که مردمان بومی همواره به‌وسیلهٔ پیام‌آوران و رهبران روحانی بومی هدایت شده‌اند. او پس از شنیدن اصول جهان‌شمول دیانت بهائی، همان شب (مارس ۱۹۷۴) آیینی را پذیرفت که نه تنها باورهای بومی او را خوش‌آمد گفت، بلکه تنوع سنت‌های فرهنگی‌اش را به‌طور فعال در آغوش می‌کشید. تمایز دکتر اورونا میان پزشکی مدرن «قرص‌های شیشه‌ای» و آن «راهنمایان فضیلت و شرافت»، فهمی ژرف‌تر از مرجعیت روحانی را بازتاب می‌دهد که ورای نهادهای دینی می‌ایستد. اشارهٔ او به «آن ارواح وارسته / که نور می‌بخشند / چون شمعی در تاریکی»، دقیقاً همان سنخ هدایت الهی را مجسم می‌کند که حضرت عبدالبها بدان تصریح فرموده‌اند—یعنی «البته در آن صفحات نیز در ازمنه قدیمه

وقتی ندای الهی بلند گشته و لکن حال فراموش شده است». همچنین یادکرد شعر از «ظهورهای تدریجی» چشمگیر است، زیرا هم با تلقی‌های بومی از تداوم هدایت روحانی هم‌آواست و هم با اصل بهائی «تعلیم ظهور تدریجی» پژواک دارد.

ترکیب «که هزار معما را شکافت / و ده‌هزار درد را درمان کرد» به شمول و جامعیت رهبری روحانی بومی دلالت دارد — رهبری‌ای که به نیازهای مادی و روحانی جامع‌خویش توأمان می‌پردازد. این معنا با دلالت ضمنی لوح نیز هماهنگ است که مردمان بومی را گیرندگان و انتقال‌دهندگان هدایت الهی می‌شناسد؛ توانمند در رسیدگی به تمامی ساحت‌های نیاز و بالندگی انسانی.

آنجا که دکتر اورونا می‌نویسد این «طبییان قدسی» «بی‌اعتبار و انکارشده» اند و باین‌همه همچنان «در پس‌کرانه‌ها درس می‌دهند»، به سرکوب تاریخی سنت‌های روحانی بومی و بی‌اعتنایی به دانش روحانی بومی اشاره می‌کند. باین‌حال، تصریح شعر به اینکه «پادشاهان هرگز سانسور نمی‌شود» با تصدیق حضرت عبدالبها بر اعتبار این سنت‌ها هم‌آواز است — همان تصدیقی که در لوح امیرخان آمده است: «البته در آن صفحات نیز در ازمنه قدیمه وقتی ندای الهی بلند گشته و لکن حال فراموش شده است». بدین معنا، علی‌رغم کوشش‌ها برای خاموش‌کردن یا کم‌اهمیت‌نمایی رهبری روحانی بومی، اقتدار الهی آنان پایدار می‌ماند.

بند پایانی شعر — آنجا که از طبییان قدسی سخن می‌گوید که «در هر روزگار می‌آیند / در میان غوغا و آشوب / می‌بخشند موهبت شگفت‌زدگی» — به‌نحوی نیرومند با تصدیق لوح حضرت عبدالبها به امیرخان درباره تداوم هدایت الهی در جوامع بومی هم‌آواز است. قید «البته» در بیان حضرت عبدالبها — «البته در آن صفحات نیز در ازمنه قدیمه وقتی ندای الهی بلند گشته و لکن حال فراموش شده است» — برای دکتر اورونا بارها چونان تأییدی ژرف بر آنچه مردمان بومی همواره می‌دانستند جلوه کرده است: این‌که سنت‌های روحانی ایشان و رهبرانشان به الهام و هدایت الهی مؤید بوده‌اند. او این مضمون را در حلقه‌های گفت‌وگوی بومیان آمریکا (*talking circles*) و گردهم‌آیی‌های غیررسمی گوناگون با دیگر مردمان بومی — در دوران هم‌مدیریتش، همراه با همسرش استر رنتریا-اورونا، در «مؤسسه بهائیان بومی آمریکا» (NABI) طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ — به‌دفعات یادآور می‌شد.

این تصدیق، با توجه به زمینه تاریخی سرکوب و بی‌اعتنایی استعماری نسبت به سنت‌های روحانی بومی، معنایی ویژه می‌یابد. اذعان لوح حضرت عبدالبها به امیرخان به وجود هدایت الهی پیشاستعماری در قاره‌های آمریکا، پشتوانه‌ای تاریخی و روحانی برای تداوم نقش رهبران روحانی بومی — همان «طبییان قدسی» (*medicine men*) که شعر دکتر اورونا در جهان معاصر از حضور و اهمیتشان می‌گوید و بدان فرامی‌خواند — فراهم می‌آورد.

از رهگذر هر دو اثر، تأییدی نیرومند بر مرجعیت روحانی بومی و استمرار کارایی آن می‌بینیم. «طبییان قدسی» در شعر دکتر اورونا — آن‌ان که «از چهار سو همه دانش را در خود گرفته‌اند» — همان سنخ هدایت الهی را نمایندگی می‌کنند که حضرت عبدالبها تصدیق می‌فرمایند در «ازمنه قدیمه» در آمریکا وجود داشته است. این دو متن در کنار هم دلالت دارند که رهبری روحانی بومی برای رشد روحانی جمعی بشریت و درمان رنج‌های آن، حیاتی و ماندگار است.

۳.۱. دو وعده شگفت‌انگیز حضرت عبدالبها که باید در کنار یکدیگر خوانده شوند

حضرت عبدالبها دو وعده درخور تأمل درباره قاره آمریکا و ساکنان آن بیان فرموده‌اند. نخستین بیان، آن چیزی است که بهائیان غالباً از آن به «سرنوشت آمریکا» تعبیر می‌کنند: «قاره آمریکا نشانه‌ها و شواهد پیشرفت بسیار عظیمی را می‌نمایاند؛ آینده آن حتی امیدبخش‌تر است، زیرا نفوذ و اشراق آن دامنه‌دار است و از حیث روحانی همه ملت‌ها را رهبری

خواهد کرد. پرچم آزادی و لوای حریت در اینجا برافراشته شده است، لیکن رفاه و ترقی یک شهر، و سعادت و عظمت یک کشور، موقوف بر شنیدن و اطاعت از ندای الهی است.» (Abdu'l-Bahá, 1982, p. 104)

درباره این وعده بسیار گفتگو شده است—هم از حیث دامنه و هم از حیث میدان معنایی آن (Buck, 2009; 2015; Khan, 2009; Medina, 2010). با این همه، به نظر می‌رسد هیچ‌یک از قرائت‌های یادشده—یا دست‌کم هنوز—وعده شگفت‌انگیز دیگری از حضرت عبدالبها را به قدر کافی در کانون نگذاشته‌اند؛ وعده‌ای که بر سرنوشت «جمعیت بومی آمریکا» متمرکز است: «به [جمعیت] بومی آمریکا اهتمام عظیم مبذول دارید. [...] همچنین، این بومیان—اگر تعلیم یابند و هدایت شوند—بی‌هیچ تردیدی چنان منور خواهند گشت که سراسر عالم را منور سازند.» (Abdu'l-Bahá, 1993, p. 33)

این دو متن معمولاً جداگانه و در بافت‌های متفاوت خوانده می‌شوند. اما اگر در کنار یکدیگر خوانده شوند، چنین می‌نمایند که آمریکا مقدر است نقشی بس مهم در ترویج وحدت جهانی ایفا کند—تا آنجا که «از حیث روحانی همه ملت‌ها را رهبری خواهد کرد»—جزء لایتجزای آن رهبری پرنفوذ و دگرگون‌ساز این است که مردمان بومی سراسر قاره‌های آمریکا بالقوه جهان را روشنایی بخشند. هنگامی که این دو پیش‌گویی به‌مثابه یک پیام واحد خوانده شوند، نه‌تنها پیش‌گویی (foretell) می‌کنند، بلکه بیان و اشاعه پیش‌دستانه نیز می‌کنند (forthtell). بنگرید به تعریف *Oxford English Dictionary* از «forthtell»: «به‌ندرت، گذرا: آشکارا گفتن، نشر دادن» (Oxford English Dictionary, 2025a).

به بیان دیگر، این گزاره‌های «مانتیک/پیش‌گویانه» (mantic, i.e., prophetic) هم‌زمان تکالیف اجتماعی نیز هستند. یک نبوت راستین نه‌فقط «به‌وقوع خواهد پیوست»، بلکه به قوت حقیقت ذاتی خویش و از سر ضرورت محقق می‌شود. بدین‌سان، «پیش‌بینی» آینده در نبوت راستین حاصل «بینش ژرف» نسبت به آن چیزی است که—به‌موجب آنچه ناگزیر باید (یا شایسته است که) در گذر زمان رخ دهد—واقع خواهد شد.

این دو وعده کلیدی، تصویرهایی از آینده‌اند آن‌چنان‌که «می‌تواند»، «باید» و/یا «خواهد بود». آن‌ها بیانیه‌هایی در باب سرنوشت، مانیفست‌هایی ضمنی، احکام و بیانیه‌های مأموریت هستند. برای آنکه این وعده‌ها محقق شوند، باید بر اساس آن‌ها اقدام کرد. از منظر دیانت‌بہانی، این وعده‌ها بی‌تردید در مقطعی از آینده به وقوع خواهند پیوست؛ اما فراهم‌بودن شرایط و زمان‌بندی ضروری است، چراکه وعده‌ها خودبه‌خود اجرا نمی‌شوند و به‌صورت خودکار به تحقق نمی‌رسند. به بیان دیگر، زمان وقوع از پیش مفروض نیست، زیرا تحقق این دو نبوت به «زمان» و «اوضاع» وابسته است. مسأله، در نهایت، نه «اگر»، بلکه «چگونه» و «چه‌وقت» است. شرایط تحقق هر یک نیز باید بهینه باشد. با فهمی اینچنین، مهم است که اصل و امکان «تسریع» یا «تعجیل» تحقق این چشم‌انداز دگرگون‌ساز جهانی را در نظر آوریم—بدین‌گونه که بهائیان بومی و غیربومی، هر یک در جایگاه خویش، در تحقق نبوت حضرت عبدالبها درباره سرنوشت روحانی مردمان بومی قاره‌های آمریکا سهیم شوند؛ مردمانی که بر اثر تعالیم بهائی «منور» و الهام‌پذیر می‌گردند:

«ما این امید را گرامی می‌داریم که در این کنفرانس پایانی، یاران با شور و عزم راسخ قیام کنند تا نه‌تنها به اهداف باقیمانده طرح نایل آیند، بلکه فرمان شوقی افندی را نیز به‌جای آورند مبنی بر جلب بیعت اعضای قبایل گوناگون بومیان آمریکا (American Indians) با امر؛ و بدین‌سان فرارسیدن دوره‌ای را تسریع کنند که حضرت عبدالبها بدان بشارت داده‌اند—زمانی که مردمان بومی آمریکا سرچشمه اشراق روحانی برای جهان خواهند شد.» (بیت‌العدل اعظم، ۱۹۷۷، تأکید افزوده شده)

«خواه در جزایر جنوب‌شرقی و کوهستان‌های سخت‌گذر آلاسکا، خواه در ذخیره‌گاه‌های پهناور بومیان کانادا از غرب تا شرق، بسیاری از مؤمنان بومی آمریکا (Amerindian believers) به خدمت امر برخاسته‌اند و از رهگذر کوشش‌های

مشترک، مساعی فداکارانه و استعدادهای متمایز خویش، نوید می‌دهند که سپیده‌دم آن روز را شتاب بخشند که در آن، «چنان منور خواهند شد که سراسر جهان را روشن سازند.» (بیت‌العدل اعظم، ۱۹۷۶، تأکید افزوده شده)

بدین‌سان، هر چند این دو نبوت هم‌زمان (و احتمالاً به‌هم‌پیوسته) — «سرنوشت آمریکا» و سرنوشت مردمان بومی قاره‌های آمریکا — خودبه‌خود اجراشونده نیستند، اما می‌توان گفت که به شیوه‌ای مشارکت‌محور، خودتحقق‌بخش هستند؛ نه در معنایی انتزاعی، بلکه در قالب کنش و ایفای نقش. هر چه تلاش‌ها فزون‌تر باشد، شرایط لازم زودتر مساعد و مهیا می‌گردد تا تحقق و وفای هر یک از آن دو میسر شود.

۳.۲. لوح حضرت عبدالبها به امیرخان: ملاحظاتی تکمیلی از منظر یک بهائی بومی آمریکایی

این لوح، در همان نگاه نخست، تلاقی ثمربخش حکمت سنتی و دانش معاصر را مجسم می‌سازد. کلمات حضرت عبدالبها با حافظه نیاکانی طنین می‌افکند و هم از زخم‌ها و هم از حکمتی سخن می‌گوید که طی نسل‌ها بر دوش مردمان بومی حمل شده است. اذعان ایشان به وجود پیام‌آوران بومی خدا دلالت بر این معنا دارد که هدایت الهی در سراسر تاریخ برای همه انسان‌ها فراهم بوده است.

وقتی این معنا با نوشته‌های حضرت عبدالبها درباره سرنوشت آمریکا — که «از حیث روحانی همه ملت‌ها را رهبری خواهد کرد» — و نیز با نبوت نقش مردمان بومی در روشن‌ساختن جهان خوانده می‌شود، همان دانشی را تأیید می‌کند که بزرگان بومی دیرزمانی است می‌دانند: این‌که سنت‌های روحانی و فهمی که ایشان در طول قرون دشوار پاس داشته‌اند، برای آینده جمعی بشریت اهمیتی ژرف دارد.

این لوح، به‌مثابه متن محوری روحانی و تاریخی، حکمت باستانی بومی را با «تعلیم ظهور تدریجی» در دیانت بهائی پل می‌زند. چند وجه به‌ویژه شایسته بررسی دانشگاهی است:

نخست، اهمیت محوری این لوح در چالش انقلابی آن با روایت‌های تاریخی مرسوم است؛ بدیلی عرضه می‌کند که «مرجعیت روحانی بومی» را در مرکز می‌نشانند. به‌جای جایگاه‌دهی استعماری که مردمان بومی را دریافت‌کنندگان روشنائی از مهاجران اروپایی می‌انگارد، این لوح صراحتاً درباره قلمرو آمریکای شمالی می‌فرماید: «البته در آن صفحات نیز در ازمنه قدیمه وقتی ندای الهی بلند گشته و لکن حال فراموش شده است.» این افق پیامبرانه سزاوار واکاوی دانشگاهی گسترده است، زیرا نسبت بومی/مهاجر را بنیاداً بازساخت می‌کند: مردمان بومی را، برابر با تصریح لوح به رهبری روحانی پیشاستعماری، «حاملان هدایت الهی» می‌نشانند. افزون بر این، این لوح به‌نحوی چشمگیر بر عاملیت، حکمت، و نقش جدایی‌ناپذیر مردمان بومی در شکل‌دهی به روایت‌های روحانی و فرهنگی — هم در افق‌های تاریخ جهانی و هم در گفتمان معاصر — تأکید می‌گذارد.

دوم، تأکید این لوح و دیگر شواهد نقل‌شده بر خصال روحانی نهفته در فرهنگ‌های بومی — یعنی پیوند بومی با زمین، باور بومی به درهم‌تنیدگی مقدس همه اشیاء، و سنت‌های دیرپای حکمت جمعی و شفابخشی — این ویژگی‌ها را نه «بازمانده‌هایی تاریخی»، بلکه «درمان‌هایی روحانی ضروری برای آینده بشریت» باز‌نمایی می‌کند. این منظر، زمینه‌ای غنی برای پژوهش گسترده در این باره می‌گشاید که نظام‌های دانایی بومی چگونه می‌توانند به چالش‌های جهانی معاصر پاسخ دهند. (M. A. Orona, 2025، آغاز از ۱۵:۲۹)

این لوح، اصل بهائی «وحدت در کثرت» را به‌صراحت، از طریق به‌رسمیت‌شناختن مرجعیت روحانی بومی، به‌نمایش می‌گذارد؛ امری که به‌ویژه در اذعان آن به هدایت الهی پیشاستعماری در قاره‌های آمریکا آشکار است. این دیدگاه دلالت

می‌کند که سرنوشت روحانی آمریکا جز با شناسایی کامل و ادغام حکمت بومی تحقق نخواهد یافت. چنین منظری مستلزم بررسی دقیق رهبری روحانی بر پایه الگوی بومی است؛ به‌ویژه از این حیث که چگونه مدل‌های سنتی حکمرانی دایره‌ای — چنان‌که در میان بسیاری از ملت‌های بومی معمول است — با ساختارهای سلسله‌مراتبی متعارف در تعارض قرار می‌گیرد (M. A. Orona, 2024، آغاز از ۱۳: ۴۱).

این منظر حکمرانی دایره‌ای سنتی در «چرخه پزشکی بومی» (*medicine wheel*) بازتاب یافته است — نمادی از شفا و سلامت که نزد قبایل متعدّد بومی آمریکا و نیز مردمان بومی دیگر نقاط جهان به‌کار می‌رود. این چرخه تأکید می‌کند که وحدت تا هنگامی که همه انسان‌ها جزئی از راهل نباشند و همگان نقشی فعال ایفا نکنند، دست‌یافتنی نخواهد بود.

این لوح پلی است میان جهان‌هایی که غالباً جدا انگاشته می‌شوند، حال آن‌که در حقیقت، عمیقاً یکدیگر را تکمیل می‌کنند. این متن از یکسو اهمیت حفظ و به‌اشتراک‌گذاری سنت‌های روحانی بومی را تصدیق می‌کند و از سوی دیگر، نقش مردمان بومی را در تکوین آگاهی روحانی روبه‌تکامل بشریت تأیید می‌نماید. چشم‌انداز لوح نسبت به حکمت روحانی بومی نه دلالت بر سلطه یا برتری، بلکه بر نقش مردمان بومی به‌منزله پاسداران و عاملان دانش و حکمت سنتی تکیه دارد. چنان‌که شادروان دکتر **جوئل اورونا** خاطر نشان کرده است: «مردمان بومی در این روزگار، شفای روحانی را برای آسیب‌هایی که بس دیرزمان بشر را می‌آزرده است، فراهم خواهند ساخت.» (J. Orona, 1994)

در حقیقت، **بیت‌العدل اعظم** — عالی‌ترین نهاد هدایت‌کننده جامعۀ جهانی بهائی — نکته‌ای هم‌داستان را چنین بیان کرده است که «دربارۀ رفاه مردمان بومی قاره‌های آمریکا ژرفاً نگران است و آرزو دارد ایشان جایگاه به‌حقّ خویش را به‌عنوان عنصری مهم در روحانیت‌بخشی به بشریت، بنای جهانی یگانه، و استقرار تمدن جهانی باز یابند.» (The Universal House of Justice, 2002)

به‌نظر می‌رسد این لوح در هنگامه‌ای که جهان با چالش‌های بی‌سابقه‌ای از تغییر اقلیم تا گسست‌های اجتماعی — روبروست، معنایی افزون‌تر می‌یابد. فهم بومی از زیستن در هم‌نوایی با **مام زمین**، دیدن امر مقدّس در همه اشیاء، و پاس‌داشت توازن و «تبادلیت/بازدوئی» در همه نسبت‌ها، الگوهای بنیادین برای مواجهه با چالش‌های جهانی معاصر و برای رشد روحانی فراهم می‌آورد. این لوح، با تصدیق مرجعیت روحانی بومی، نقشه راهی زنده برای دگرگونی روحانی عرضه می‌کند: پلی است میان حکمت کهن و تکامل روحانی مدرن که مردمان بومی را به‌منزله کارگزاران نظام‌های دانش سنتی می‌نشانند و از آنان می‌خواهد در استقرار تمدن جهانی یگانه نقشی فعال ایفا کنند.

برای کسانی که از تبار غیربومی‌اند، این لوح مسیری دگرگون‌ساز به‌سوی شراکت راستین، احترام متقابل، و به‌رسمیت‌شناختن **حاکمیت روحانی بومی** فرامی‌نهد؛ بدین‌گونه هر دو جامعه می‌توانند، با ادغام حکمت بومی و **تعلیم ظهور تدریجی**، در وفای سرنوشت روحانی پیش‌گویی‌شده آمریکا همکاری کنند و سرانجام رویکردی واحد برای **بلوغ روحانی جمعی بشریت** پدید آورند.

لوح حضرت عبدالبها به امیرخان به‌طور ضمنی آمریکا و سراسر جهان را به بازتعریف رهبری روحانی از رهگذر ادغام حکمت بومی فرامی‌خواند و نشان می‌دهد که دانش سنتی چگونه می‌تواند — از طریق نسل‌ها آیین، قصه‌گویی، و تجربه — زیسته بومی — توسعه روحانی معاصر را هدایت کند. از منظر بومی و نیز از منظر بهائی، این لوح حامل **مسئولیتی مقدّس و وعده‌ای الهی** است: این‌که حکمت کهن مردمان بومی، در ترکیب با تعالیم مترقی **دیانت بهائی**، می‌تواند راه را به سوی **بلوغ روحانی بشریت** روشن سازد.

۴. دیانت بهائی و تعلیم ظهور تدریجی

تعلیم ظهور تدریجی بهائی (Dehghani, 2022) چشم‌اندازی جهانی از تاریخ ادیان به دست می‌دهد—از منظر «چشم الهی»؛ به تعبیر رایج‌تر، با «دید از بالا». از این منظر بهائی، هر چند ادیان در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون پدیدار شده‌اند، با کاوش عمیق‌تر در «حقایق ذاتی» آن‌ها می‌توان روح و حکمتی واحد را باز شناخت.

البته تعلیم ظهور تدریجی گونه‌ای هرمنوتیک الهام‌گرفته از ایمان است؛ اما می‌توان آن را با «تحقیق مستقل» و سنجش دانشگاهی نیز آموخت. نخستین محک، اشتراکات است: ظهور تدریجی، تداوم تعالیم اصلی و جاودانه—خاصه در حوزه‌های اصول اخلاقی، هنجاری و سلوکی/عرفانی—را مفروض می‌گیرد (Buck, 2012). اما وجه «تدریجی» بدین معناست که هر دین متعاقب، در خاستگاه و آستانه خویش، باید به‌نحوی قابل‌نشان‌دادن، تعالیمی کامل‌تر و پیشرفته‌تر، و نیز قوانینی متناسب با آن زمان و مکان و مقتضیات آن روزگار عرضه کند. ایده فراگیر این است که همان‌گونه که جهان دستخوش تکامل فیزیکی و زیستی است، انسان نیز در حال تکامل اجتماعی و روحانی است. تکامل روحانی ماهیتی تدریجی دارد؛ از این رو خداوند در گلوگاه‌های تاریخی، پیام‌آورانی می‌فرستد تا آن تکامل روحانی و اجتماعی را آماده و پیش‌برند. در طرحی کلان، این نیروهای دینی گوناگون در مسیر تمدن بشری در مقطعی به هم همگرا خواهند شد—چنان‌که در مرحله کنونی تاریخ جهان نیز چنین نشانه‌هایی دیده می‌شود. از همین‌جاست که نقش مردمان بومی در ادغام این اثرگذاری‌های همگرا—خاصه در غنا بخشیدن به فرجام مطلوب—اهمیت می‌یابد.

با آن‌که تعلیم ظهور تدریجی در اصل «جهان‌شمول» است، دامنه و کاربست آن به‌نحوی تاریخی زیر سایه آن‌چه دن ادیسون فقید (از قوم چاکتاو؛ نک: Legacy.com, 2018) «آریا-سامی‌محوری» نامیده، محدود شده است (Buck & Addison, 2007, pp. 26, 219): تمرکز مرکزی بر ادیان سامی (اصطلاحاً «ادیان ابراهیمی»—یهودیت، مسیحیت، اسلام—همراه با بابیه و دیانت بهائی) و ادیان اصطلاحاً «آریایی/نجیب» (زرتشتی، بودایی، هندو). ادبیات عامه بهائی غالباً فهرستی از «مظاهر ظهور الهی» عرضه می‌کند که ادیان بومی را برنمی‌شمارد. این همان مسأله‌ای است که لوح حضرت عبدالبها به امیرخان می‌تواند برای آن افقی از «رامحل و گشایش» ارائه کند.

بهائیان ادیان بزرگ جهان را فصل‌هایی از تعلیم ظهور تدریجی پیوسته از سوی خدا می‌بینند و بر این باورند که پیامبران یا مظاهر الهی این سنت‌های دینی، تعالیم روحانی متناسب با ظرفیت‌ها و نیازهای روبه‌تحوّل بشریت می‌آورند. در برخی سنت‌های بومی نیز، باور بنیادین به «حکمت روحانی میان‌نسلی» بر اهمیت آموختن از نیاکان، بزرگان، پیامبران بومی و جهان پیرامون تأکید می‌کند. انتقال دانش، تعالیم، ارزش‌های روحانی، حکمت و تجربه از رهگذر سنت‌های شفاهی، آئین‌ها و گونه‌های گوناگون قصه‌گویی انجام می‌گیرد؛ و به‌اشتراک‌گذاری این سنت‌های روحانی بومی، بی‌زمان، پیوسته و مقدّس انگاشته می‌شود (M. A. Orona, 2025).

در کانون باور بهائی به تعلیم ظهور تدریجی و نیز معرفت میان‌نسلی بومی، اذعان به این است که «حقیقت روحانی» به‌تدریج و در گذر زمان گشوده و بسط می‌یابد. از هر دو منظر بهائی و بومی، حکمت و معرفت روحانی چیزی است که در طی نسل‌ها انباشته و تکامل می‌یابد؛ نه ایستا است و نه منحصر به زمانی واحد. هر دو دستگاه فکری تصدیق می‌کنند که تعالیم و فهم روحانی در طول زمان ژرف‌تر می‌شود و هر نسل مسئولیتی دارد تا این حکمت مقدّس و تعالیم روحانی را باز شناسد، گرامی بدارد، پاس بدارد و به‌کار بندد تا پاس‌گویی نیازهای روز باشد (M. A. Orona, 2025).

به همان اندازه مهم آن است که هر دو—هم تعلیم ظهور تدریجی و هم سنت‌های معرفت میان‌نسلی بومی—حاملان و ناقلان حقیقت روحانی را ارج می‌نهند؛ خواه بزرگان یک جامعه باشند و خواه پیام‌آوری از سوی خدا. هر دو اذعان دارند که حقیقت روحانی «ثابت و جامد» نیست، بلکه با تجربه، فهم، و موعد/زمان‌بندی الهی بالیده و پخته می‌شود.

۵. دلالت‌های لوح حضرت عبدالبها به امیرخان برای فهمی فراختر از تعلیم ظهور تدریجی

در بخش‌های پیش‌رو، استدلالی برای به رسمیت شناختن مقوله عام «مظاهر الهی بومی» در قاره‌های آمریکا (و احتمالاً— به دلالت التزامی—در اقیانوسیه، آفریقا و دیگر نواحی) در سطح اصل ارائه می‌شود؛ بی‌آن‌که به اشخاص به‌طور مشخص (یعنی افراد معین از مظاهر الهی بومی) تصریحی صورت گیرد.

۵.۱. افزودن بودا و کریشنا به منزلت مظاهر الهی از سوی حضرت عبدالبها

بر بنیاد بیان بیت‌العدل اعظم، حضرت عبدالبها بودا را به فهرست «مظاهر الهی» افزودند: «حضرت بهاء‌الله ذکری از بودا نکرده‌اند، و اگر بیان حضرت عبدالبها نبود، ما در موضعی نمی‌بودیم که به‌طور قطعی بگوییم بودا مظهر الهی بوده است. در افسانه‌ها و روایات اقوام، بی‌شمار سنت‌ها وجود دارد که به نوعی وحی الهی اشارت می‌کند، اما—همانطور که منشی حضرت ولی امرالله عزیز از طرف ایشان در نامه‌ای به تاریخ 13 مارچ 1950 به یکی از احباً نوشته شده بود، اشاره کردند "ما به‌هیچ‌روی نمی‌توانیم نام کسانی را که خودمان (با هرکس دیگر) می‌پنداریم شاید از پیامبران غیر مستقل باشند، به آن‌چه در قرآن، کتاب مقدس (Bible) و آثار خودمان آمده است بیفزاییم؛ زیرا تنها این‌ها را می‌توان کتاب‌های معتبر به‌شمار آورد." باید بپذیریم که بی‌تردید پیامبران بسیاری بوده‌اند که هم‌اکنون اسناد معتبر مربوط به آنان از میان رفته است.» (The Universal House of Justice, 1986)

این امر نشان می‌دهد که حضرت عبدالبها «قوة تشخیص» و «اختیار مرجح» برای افزودن به فهرست مظاهر الهی را دارا بوده‌اند. حضرت عبدالبها کریشنا را نیز افزودند: «پیام کریشنا پیام محبت است. هم‌اکنون پیامبران خدا پیام محبت آورده‌اند.» (Abdu'l-Bahá, 2006, p. 35)

در حالی‌که حضرت عبدالبها اختیار و مرجعیت روحانی لازم را برای صدور داورای‌های عام و دسته‌بندی‌های کلی درباره این‌که چه کسانی «مظاهر الهی» اصیل به‌شمار می‌آیند—و چه کسانی نمی‌آیند—دارا بوده‌اند، افراد بهائی تنها می‌توانند آراء مستند و آگاهانه خویش را عرضه کنند. به‌طور کلی، حضرت عبدالبها مظاهر/رسولان/پیامبران مستقل خدا را بنیان‌گذاران ادیان خویش تعریف می‌کنند، چنان‌که در این بیان آمده است:

«آن مظاهر نبوت کلیه که بالاستقلال اشراق نموده‌اند مانند حضرت ابراهیم حضرت موسی حضرت مسیح و حضرت محمد و حضرت اعلی و جمال مبارک و اما قسم ثانی که تابع و مروّجند مانند سلیمان و داود و اشعیا و ارمیا و حزقییا. زیرا انبیای مستقلة مؤسس بودند یعنی تاسیس شریعت جدید کردند و نفوسی را خلق جدید نمودند و اخلاق عمومیّه را تبدیل کردند و روش و مسلک جدید ترویج نمودند کور جدید شد و تشکیل دین جدید گردید ظهور آنان مانند موسم ربیع است که جمیع کائنات ارضیه خلعت جدید پوشند و حیات جدید یابند و اما قسم ثانی انبیا که تابعند این نفوس ترویج شریعة الله نمایند و تعمیم دین الله و اعلای کلمة الله از خود قوت و قدرتی ندارند بلکه از انبیای مستقلة استفاده نمایند.» (مفاوضات، حضرت عبدالبها، کلیه انبیا بر دو قسمند)

«بوده نیز تاسیس دین جدید و کونفیوش تجدید سلوک و اخلاق قدیم نمود ولی بکلی اساس آنان بر هم خورد و ملل بودیه و کونفوشیه ابداً بر معتقدات و عبادات مطابق اصل باقی و برقرار نماندند. مؤسس این دین شخص نفیس بود تاسیس وحدانیت الهیه نمود ولی من بعد بتدریج اساس اصلی بکلی از میان رفت و عادات و رسوم جاهلیّه بدعت شد تا آنکه منتهی بعبادات صور و تمائیل گردید.» (مفاوضات، حضرت عبدالبها، سؤال بوده و کونفیوش چگونه بوده‌اند؟)

در بیان فوق، حضرت عبدالبها بودا را «بانی آیینی نو» توصیف می‌فرمایند، حال آن‌که کنفوسیوس را نه بنیان‌گذار بالذات، بلکه «مجدد سنت و اخلاق کهن چینی» می‌شناسانند. از این‌رو، در تعلیم بهائی، بودا به‌منزله «مظهر الهی» به رسمیت شناخته می‌شود، در حالی‌که کنفوسیوس همان مرتبت را احراز نمی‌کند. در همین‌جا به کاربرد تعبیر «فراموش‌شدن» از سوی حضرت عبدالبها نیز باید توجه کرد. ایشان همچنین تصریح فرموده‌اند که تعالیم اصیل مسیحیت نیز در گذر زمان «فراموش» شده است:

«ملاحظه کنید که اساس دین مسیح چگونه فراموش گردیده و بدعتها بمیان آمده مثلاً حضرت مسیح منع از تعدی و انتقام فرموده بلکه امر بخیر و عنایت در مقابل شرّ و مضرتّ نموده حال ملاحظه نمائید که در نفس طائفه مسیحیان چه جنگهای خونریز واقع و چه ظلمها و جفاها و درندگی و خونخواری حاصل و بسیاری از حربهای سابق بفتوای پاپ واقع. پس معلوم و واضح گردید که ادیان از مرور ایام بکلی تغییر و تبدیل یابد پس تجدید گردد.» (مفاوضات، حضرت عبدالبها، سؤال بوده و کونفیوش چگونه بوده‌اند؟)

این نکته بر آنچه حضرت عبدالبها در لوح امیرخان از «فراموش‌شدن» اراده فرموده‌اند—چنان‌که پیش‌تر در §۲,۳ بحث شد—حامل می‌شود و معنای دقیق‌تری از کاربرد «فراموش» در آن سیاق به دست می‌دهد.

۵.۲. نتیجه‌گیری: در لوح امیرخان، حضرت عبدالبها (در سطح اصل) پیام‌آوران بومی خدا را برای قاره‌های آمریکا «افزوده‌اند»

نویسندگان کنونی تصریح می‌کنند که این پژوهش بر دستاوردهای پیشین درباره لوح امیرخان گسترش می‌بخشد و از این‌رو اثری بدیع/اصیل است. افزون بر این، لوح امیرخان از اصل عام قرآنی فراتر می‌رود که می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا»—نه البته صرفاً از آن‌رو که به‌طور خاص به بومیان آمریکا اشاره می‌کند. آنچه این لوح را «انقلابی» می‌سازد، رویکرد روش‌شناختی آن در اعتباربخشی به مرجعیت روحانی بومی است: به‌جای آن‌که سنت‌های بومی را ملزم سازد تا با الگوهای نبوی جافتاده ابراهیمی انطباق یابند، حضرت عبدالبها چارچوب‌های روحانی یگانه‌ای را به رسمیت می‌شناسد که از رهگذر آن‌ها هدایت الهی در سنت‌های روحانی بومیان آمریکا انتقال یافته است.

لوح امیرخان افزون بر این، به رسمیت می‌شناسد که پیام‌آوران الهی می‌توانند در چارچوب‌های فرهنگی و روحانی گوناگون—از جمله «طبیعیان قدسی»، پیامبران بومی، و رهبران روحانی قبیله‌ای—ظهور یابند، بی‌آن‌که از اصالت آنان کاسته شود. این رویکرد فراگیر برای بهائیان بومی تأییدی به‌دست می‌دهد که سنت‌های روحانی نیاکانی ایشان مجاری اصیل وحی الهی‌اند.

همچنین لوح امیرخان سابقه‌ای می‌نهد از این‌که چگونه اصل بهائی «تعلیم ظهور تدریجی» می‌تواند در باب سنت‌های دینی غیر ابراهیمی به کار رود، بی‌آن‌که این سنت‌ها ناگزیر باشند بیان‌های متمایز خویش را وانهند. از این رهگذر، چارچوبی عرضه می‌شود برای این‌که آیین‌ورزی‌های بومی، سنت‌های شفاهی و زندگی آیینی چگونه می‌توانند در عین پاسداشت یکپارچگی فرهنگی و روحانی، در «آگاهی دینی جهانی» ادغام شوند.

بر پایه حجیت لوح امیرخان، نویسندگان حاضر بر این‌اند که حضرت عبدالبها «در سطح اصل»، «پیام‌آوران بومی خدا» را در گستره و شمول تعلیم ظهور تدریجی برای قاره‌های آمریکا «افزوده‌اند». در این‌جا می‌توان میان «اصل صریح» و «اشخاص ضمنی» تمایز نهاد. شاهد اصلی—چنان‌که در این مقاله عرضه شد—بیان حضرت عبدالبها در بند چهارم لوح است: «البته در آن صفحات نیز در ازمنه قدیمه وقتی ندای الهی بلند گشته و لکن حال فراموش شده است.» این تصریح مؤکد و بی‌ابهام است، باید به‌جداً محلّ اعتنا قرار گیرد و تأملی سنجیده را که درخور آن است دریافت کند.

نیز نویسندگان حاضر پیشنهاد می‌کنند که لوح امیرخان و داده‌های این پژوهش می‌تواند آغازگر و تسهیل‌گر گفت‌وگویی باشد برای گذار از دادوستدهای سطحی به دگرگونی‌ای بنیادی در شیوه تعامل جوامع بومی و غیربومی—بر بنیاد احترام متقابل، به رسمیت‌شناختن حقوق و حاکمیت، و شراکت راستین در بنای آینده‌ای مشترک.

۵.۳. نتیجه‌گیری: لوح حضرت عبدالبها به امیرخان—اثری مرجع و مهم برای مخاطبان متنوع (از منظر بومی)

لوح حضرت عبدالبها به امیرخان به‌منزله متنی محوری و معتبر/مرجع در متون مقدّس دینات بهائی ایستاده است که به‌سبب رویکرد انقلابی‌اش به سنت‌های روحانی بومی، در طیف گسترده‌ای از جوامع دانشگاهی و بومی به رسمیت شناخته شده است. این اثر «مستند و معتبر»، با «ترجمه مجاز» خویش، شکافی اساسی در گفتمان دینی معاصر را ترمیم می‌کند: بدین‌گونه که تعمیم تعلیم ظهور تدریجی را بسط می‌دهد تا به‌صراحت «پیام‌آوران بومی خدا» را در قاره آمریکا دربر گیرد.

برای پژوهشگران، این لوح گامی شکافنده در فائق‌آمدن بر آنچه پژوهش‌ها «آریا-سامی‌محوری» نامیده‌اند به‌شمار می‌رود—تمرکز تاریخی بر ادیان سامی و به‌اصطلاح «آریایی» همراه با حاشیه‌راندن سنت‌های روحانی بومی. افزون بر این، رویکرد علمی-روش‌شناختی سخت‌گیرانه نویسندگان همکار، که از چارچوب استعمارزدای «دیدن با دو چشم» بهره می‌گیرد و نگره‌های بومی و غربی را با اهمیتی برابر «درهم‌می‌بافد»، بنیانی نوآورانه برای بازشناسی هدایت الهی پیش‌استعماری می‌نهد و بدین‌سان روایت‌های تاریخی مألوف منسوخ را به‌صورتی بنیادین به چالش می‌کشد.

از منظر بومی، لوح امیرخان اعتباری ژرف برای حکمت‌نیاکانی و مرجعیت روحانی بومی به‌دست می‌دهد. این لوح همان را به رسمیت می‌شناسد که بزرگان بومی دیرزمانی است به رسمیت می‌شناسند: این‌که سنت‌های روحانی ایشان هدایت‌هایی ضروری برای آینده جمعی بشریت در بردارد. این لوح، به جای معرفی مردمان بومی به عنوان گیرندگان هدایت خارجی، اقتدار روحانی بومیان را در مرکز قرار داده و پیام‌آوران الهی بومی پیشین را تصدیق می‌نماید.

برای مخاطبان غیربومی—چه دانشگاهی و چه عمومی—لوح حضرت عبدالبها به امیرخان پلی میان حکمت کهن و تکامل روحانی مدرن می‌سازد و نشان می‌دهد که فهم بومی از زیستن در هم‌نوایی با مام زمین الگوهای اساسی برای مواجهه با چالش‌های جهانی معاصر فراهم می‌آورد. این متن به‌طور ضمنی می‌نماید که نیل به «وحدت در کثرت» مستلزم شناسایی تام و ادغام نظام‌های دانش بومی است.

از این‌رو، لوح امیرخان همگرایی کم‌نظیری از دقت پژوهشی، مرجعیت روحانی، و پلسازی فرهنگی را نمایندگی می‌کند و بدین سبب برای طیف وسیعی از مخاطبان معنادار و در دسترس است: برای دانشگاه‌هایی که سیر تکاملی ادیان را می‌کاوند؛ برای جوامع بومی که در پی شناسایی میراث روحانی خویش‌اند؛ و برای مخاطبان گسترده‌تری که به گفت‌وگوی راستین بین‌ادیانی و عدالت پایبندند.

مشارکت نویسندگان: همه نویسندگان سهم برابر داشته‌اند، با این تقسیم کار اصلی—هرچند مشترک در عمل—در فرآیند همکاری: «مفهوم‌پردازی»، C.B. و M.A.O.؛ «روش‌شناسی»، C.B. و M.A.O.؛ «دیدگاه‌های بومی»، M.A.O.؛ «تحلیل رسمی»، C.B.؛ «نگارش—تهیه پیش‌نویس اولیه»، C.B. و M.A.O.؛ «نگارش—بازبینی و ویرایش»، C.B. و M.A.O.؛ «مدیریت پروژه»، C.B. همه نویسندگان نسخه منتشرشده مقاله را خوانده و با آن موافق‌اند.

تأمین مالی: این پژوهش هیچ‌گونه تأمین مالی بیرونی دریافت نکرده است.

بیانیه هیئت بازبینی نهادی (IRB): قابل اطلاق نیست.

بیانی‌ه رضایت آگاهانه: قابل اطلاق نیست.

بیانی‌ه دسترس‌پذیری داده‌ها: در این مطالعه داده جدیدی ایجاد یا تحلیل نشده است؛ از این رو به اشتراک‌گذاری داده‌ها در این مقاله قابل اطلاق نیست.

تعارض منافع: نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی را اعلام نمی‌کنند.

منابع:

‘Abdu’l-Bahá. 1978. *Selections from the Writings of ‘Abdu’l-Bahá*. Haifa: Bahá’í World Centre. Available online: <https://www.bahai.org/library/authoritative-texts/abdul-baha/selections-writings-abdul-baha/> (accessed on 18 August 2025). (Bahá’í Reference Library 2025).

‘Abdu’l-Bahá. 1982. 6 May 1912, Talk at Sanatorium of Dr. C. M. Swingle, Cleveland, Ohio, 104. In *The Promulgation of Universal Peace*, 2nd ed. Wilmette: Bahá’í Publishing. Available online: www.bahai.org/r/382937863 (accessed on 18 August 2025). (Bahá’í Reference Library 2025).

‘Abdu’l-Bahá. 1993. *Tablets of the Divine Plan*. Wilmette: Bahá’í Publishing. Available online: www.bahai.org/r/190926614 (accessed on 18 August 2025). (Bahá’í Reference Library 2025).

‘Abdu’l-Bahá. 2005. Tablet to Amír Khán (in the original Persian). In *Muntakhabátí az Makátíb-i-H’ad.rat-i-‘Abdu’l-Bahá*. Hofheim: Mu’assisi-yi Mat.bú’át-i-Bahá’í-i-Álmán [Bahá’í Publishing Germany], 161 BE [Bahá’í Era]/2005). Vol. 6, pp. 177–78 (§ 247). Available online: <https://bahai-library.com/bahailib/1699.pdf> (accessed on 18 August 2025).

‘Abdu’l-Bahá. 2006. *Paris Talks: Addresses Given by ‘Abdu’l-Bahá in 1911*. Wilmette: Bahá’í Publishing. Available online: <https://www.bahai.org/library/authoritative-texts/abdul-baha/paris-talks/2#994107037> (accessed on 18 August 2025). (Bahá’í Reference Library 2025).

‘Abdu’l-Bahá. 2014. *Some Answered Questions*. Collected and Translated from the Persian by Laura Clifford Barney. Newly Revised by a Committee at the Bahá’í World Centre. Haifa: Bahá’í World Centre. Available online: <https://www.bahai.org/library/authoritative-texts/abdul-baha/some-answered-questions/> (accessed on 18 August 2025). (Bahá’í Reference Library 2025).

‘Abdu’l-Bahá. n.d. “Extract from a Tablet of ‘Abdu’l-Bahá” [“Tablet to Amír Khán”]. *Additional Tablets, Extracts and Talks*. Available online: www.bahai.org/r/341827961 (accessed on 18 August 2025). (Bahá’í Reference Library 2025).

Bahaipedia. 2025. *Jacqueline Left Hand Bull*. Available online: https://bahaipedia.org/Jacqueline_Left_Hand_Bull (accessed on 18 August 2025).

Bahá'í Library Online. 2025. Available online: <https://bahai-library.com/> (accessed on 18 August 2025).

Bahá'í Reference Library (BRL). 2025. Available online: <https://www.bahai.org/library/> (accessed on 18 August 2025).

Bahá'u'lláh. 1990. *Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*. Translated by Shoghi Effendi. Wilmette: Bahá'í Publishing Trust. Available online: <https://www.bahai.org/library/authoritative-texts/bahauallah/gleanings-writings-bahauallah/> (accessed on 18 August 2025).

Bahá'u'lláh. 2006. *Muntakhabátí-az-Áthár-i-H`ad.rat-i-Bahá'u'lláh*. Hofheim: Bahá'í-Verlag. Available online: <https://www.bahai.org/fa/library/authoritative-texts/bahauallah/gleanings-writings-bahauallah/> (accessed on 18 August 2025).

Broadhead, Lee-Anne, and Sean Howard. 2021. Confronting the contradictions between Western and Indigenous science: A critical perspective on Two-Eyed Seeing. *AlterNative: An International Journal of Indigenous Peoples* 17: 111–19. [CrossRef]

Brown, Vinson. 1974. *Voices of Earth and Sky: The Vision Life of the Native Americans*. Mechanicsburg: Stackpole Books.

Brown, Vinson. 1976. *Voices of Earth and Sky: The Vision Life of the Native Americans*. Happy Camp: Naturegraph Publishers.

Buck, Christopher. 1993. *Native Messengers of God in Canada?: A Test Case for Bahá'í Universalism*. Unpublished.

Buck, Christopher. 1995. Subject: "Re: Native Messengers." *Talisman Bahai Archives* (Tue, 19 Dec 1995 12:23:28 EST). Available online: <https://websites.umich.edu/~jrcole/talisman/t95dec4.htm> (accessed on 18 August 2025).

Buck, Christopher. 1996. Native Messengers of God in Canada?: A Test Case for Bahá'í Universalism. *Bahá'í Studies Review* 6: 97–133.

Buck, Christopher. 2002. Bahá'í Universalism and Native Prophets. In *Reason and Revelation: New Directions in Bahá'í Thought*. Edited by Seena Fazel and John Danesh. Los Angeles: Kalimát Press, pp. 172–201.

Buck, Christopher. 2009. *Religious Myths and Visions of America: How Minority Faiths Redefined America's World Role*. Santa Barbara and Westport: ABC-CLIO/ Praeger (now Bloomsbury Publishing).

Buck, Christopher. 2012. Religions Share Enduring Values. In *World Religions: Belief, Culture, and Controversy*. Academic Edition. Santa Barbara: ABC-CLIO: ISBN 978-1-61069-122-2.

Buck, Christopher. 2014a. Native Messengers of God: Another Bahá'í Perspective. Part 10 in Series “Indigenous Messengers of God.”. BahaiTeachings.org. August 5. Available online: <https://bahaiteachings.org/native-messengers-of-god-another-bahaierspective/> (accessed on 18 August 2025).

Buck, Christopher. 2014b. Native Messengers of God: One Bahá'í Perspective. Part 9 in Series “Indigenous Messengers of God.”. BahaiTeachings.org. July 30. Available online: <https://bahaiteachings.org/native-messengers-of-god-one-bahai-perspective/> (accessed on 18 August 2025).

Buck, Christopher. 2015. Bahá'í Myths and Visions of America. In *God & Apple Pie: Religious Myths and Visions of America*. Kingston: Educator's International Press, pp. 296–343.

Buck, Christopher. 2016. Deganawida, the Peacemaker. In *American Writers, Supplement XXVI*. Edited by Jay Parini. Farmington Hills: Charles Scribner's Sons, pp. 81–100.

Buck, Christopher. 2024. The “Indigenous Messengers of God” Series. Compiled by Christopher Buck (August 11, 2024, Ganado(Apache County), Arizona, Navajo Nation). Available online: https://bahai-library.com/pdf/b/buck_articles_bahaiteachings_indigenous.pdf (accessed on 18 August 2025).

Buck, Christopher, and Don Addison (Choctaw). 2007. Messengers of God in North America Revisited: An Exegesis of “Abdu'l-Bahá's Tablet to Amír Khán. *Online Journal of Bahá'í Studies* 1: 180–270.

Buck, Christopher, and Kevin Locke. 2021. Patricia Locke on Native American Manifestations of God. Part 87 in Series “Indigenous Messengers of God.”. BahaiTeachings.org. December 18. Available online: <https://bahaiteachings.org/patricia-locke-on-nativeamerican-manifestations-of-god> (accessed on 18 August 2025).

Buck, Christopher, and Kevin Locke. 2022. Community Building and the Indigenous Concept of Two-Eyed Seeing. Part 104 in Series “Indigenous Messengers of God”. BahaiTeachings.org. July 24. Available online: <https://bahaiteachings.org/community-buildingand-the-indigenous-concept-of-two-eyed-seeing/> (accessed on 18 August 2025).

Buck, Christopher, and Kevin Locke. 2021–2022. *The Great Spirit Speaks: Voices of the Wise Ones*. Wilmette Institute. Course Announcement. Available online: <https://wilmetteinstitute.org/courses/the-great-spirit-speaks/> (accessed on 29 August 2025).

Buck, Christopher, and Nosratollah Mohammadhosseini. 2019. Do All Peoples Have a Prophet? Part 37 in Series “Indigenous Messengers of God”. BahaiTeachings.org. May 9.

Available online: <https://bahaiteachings.org/do-all-peoples-have-a-prophet/> (accessed on 18 August 2025).

Buck, Christopher, Kevin Locke, Bitahnii Wayne Wilson, Paula Bidwell, David Langness, Nosratullah Mohammadhosseini, and Craig Alan Volker. 2014–2022. *Indigenous Messengers of God* (109 Articles). BahaiTeachings.org. Available online: <https://bahaiteachings.org/series/indigenous-messengers-of-god/> (accessed on 18 August 2025).

Bull, Jacqueline Left Hand, and Joseph Weixelman. 1994. *American Indian Religion and the Bahá'í Faith*. Edited by Moojan Momen and Wendi Momen. Unpublished, unpaginated manuscript.

Dehghani, Sasha. 2022. Progressive Revelation. In *The World of the Bahá'í Faith*. Edited by Robert Stockman. London and New York: Routledge, pp. 188–201. Available online: <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9780429027772-18/progressive-revelation-sasha-dehghani> (accessed on 18 August 2025).

Deloria, Philip J. 2021. Chapter 11, “Red Earth, White Lies, Sapiens, and the Deep Politics of Knowledge” [sic: Italics in original]. In *Decolonizing “Prehistory”: Deep Time and Indigenous Knowledges in North America*. Edited by Gesa Mackenthun and Christen Mucher. Tucson: The University of Arizona Press, pp. 231–48. Available online: <https://open.uapress.arizona.edu/projects/decolonizing-prehistory> (accessed on 18 August 2025).

Farmer, Jesse R., Tamara Pico, Ona M. Underwood, Rebecca Cleveland Stout, Julie Granger, Thomas M. Cronin, François Fripiat, Alfredo Martínez-García, Gerald H. Haug, and Daniel M. Sigman. 2023. The Bering Strait was flooded 10,000 years before the Last Glacial Maximum. *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America* 120: e2206742119. [CrossRef][PubMed]

Fád.il-i-Mázindarání, Asadu'lláh. 1985–1986. *Amr va Khalq*. 4 vols. Hofheim-Langenhain: Bahá'í-Verlag.

Gibson, Chief John Arthur, Hanni Woodbury, Reginald Henry, Harry Webster, and Alexander Goldenweiser. 1992. *Concerning the League: The Iroquois League Tradition as Dictated in Onondaga by Chief John Arthur Gibson*. Newly Elicited, Edited and Translated by Hanni Woodbury. In Collaboration with Reg Henry and Harry Webster, on the basis of A. A. Goldenweiser's Manuscript. Series: *Algonquian and Iroquoian Linguistics Memoir*, 9. Winnipeg: Algonquian and Iroquoian Linguistics, 755p. ISBN 0-921064-09-8. Available online: <https://search.worldcat.org/title/26933089> (accessed on 18 August 2025).

Khan, Janet A. 2009. *Heritage of Light: The Spiritual Destiny of America*. Wilmette: Bahá'í Publishing.

<https://www.google.com/search?q=Legacy.com>. 2018. Dr. Donald Francis Addison 1942–2018. *Register-Guard*. Eugene, Oregon. February 25. (Obituary). Available online: <https://www.legacy.com/us/obituaries/registerguard/name/donald-addison-obituary?id=14189523> (accessed on 18 August 2025).

Locke, Kevin. 2021a. Overview of the Spiritual Heritage of this Half of the Planet. June 21. [Start/Stop: 13:33–16:48]. Available online: <https://www.youtube.com/watch?v=OFy0tds1OCg> (accessed on 18 August 2025).

Locke, Kevin. 2021b. The Great Spirit Speaks: Voices of the Wise Ones (Wilmette Institute Course: 15 February 2021). Available online: <https://courses.wilmetteinstitute.org/mod/forum/discuss.php?d=63160#p175536> (accessed on 18 August 2025).

Locke, Kevin, as told to Kim Douglas and Aleah Douglas-Khavari. 2018. *Arising*. Kindle Edition. Wilmette: Bahá'í Publishing.

Locke, Patricia. 1993. Untitled, undated. (Missing title page. Presumed title and date: “God’s Messengers to the Native Peoples of the Western Hemisphere.” Parliament of the World’s Religions (Chicago, Friday, 3 September). Digital scan, courtesy of Nadema Agard (Winyan Luta/“Woman Holy Red”), sent to Kevin Locke, 11 October 2021. Available online: https://bahai-library.com/pdf/l/locke_native_american_messengers.pdf (accessed on 18 August 2022).

Medina, John Fitzgerald. 2010. *America’s Sacred Calling: Building a New Spiritual Reality*. Wilmette: Bahá'í Publishing.

Momen, Moojan. 1995. Subject: “Re: Dariush’s civilizations.” *Talisman Bahai Archives* (Wed, 05 Apr 1995 17:13:49 GMT). Available online: <https://websites.umich.edu/~jrcole/talisman/t95dec4.htm> (accessed on 18 August 2025).

Momen, Moojan. 2016. Maz’har-e Eláhi. (Manifestation of God). *Encyclopædia Iranica*. Online Edition. Available online: <https://www.iranicaonline.org/articles/mazhar-e-elahi> (accessed on 18 August 2025).

Ocean of Lights. 2025. Available online: <https://oceanoflights.org/bahauallah-st-146-ar/> (accessed on 18 August 2025).

Orona, Joel. 1994. *The Pollen Pouch*. Chicago: Blackhawk Native American Education Center.

Orona, Joel. 2019. *The American Indians—Then, Now and Forever*. Chandler: iamHUMAN Media.

Orona, Michael A. 2024. A Framework for Unity: The Shared Humanity Between African Americans and Indigenous Peoples. Evanston: The Wilmette Institute. October 19. Available online: <https://www.youtube.com/watch?v=PNKN2q-seXg> (accessed on 18 August 2025).

Orona, Michael A. 2025. International Indigenous Peoples as Catalysts for Global Stability and Prosperity. College Park: University of Maryland Bahá'í Chair for World Peace. February 7. Available online: <https://www.youtube.com/watch?v=5iTbwlfF1As> (accessed on 18 August 2025).

Orona, Roman. 2021. How Bahá'u'lláh Fulfilled Native American & Indigenous Prophecies. Bah'ái Faith Modern Perspectives. December 4. Available online: https://www.youtube.com/watch?v=97r_BDPVvSo (accessed on 18 August 2025).

Oxford English Dictionary. 2025a. “forthtell (v.).” Available online: https://www.oed.com/dictionary/forthtell_v (accessed on 18 August 2025).

Oxford English Dictionary. 2025b. “universalism,” 2.b.” Available online: <https://www.oed.com/search/dictionary/?scope=Entries&q=Universalism> (accessed on 18 August 2025).

Phelps, Steven. 2025. *A Partial Inventory of the Works of the Central Figures of the Bahá'í Faith*, Version 4.01. December 25. Available online: https://blog.loomofreality.org/wp-content/uploads/2025/05/Partial_Inventory_5_vol1.pdf (accessed on 18 August 2025).

Quranic Arabic Corpus. 2025. Available online: <https://corpus.quran.com/> (accessed on 18 August 2025).

Rankin, Aric, Andrea Baumann, Bernice Downey, Ruta Valaitis, Amy Montour, Pat Mandy, and Danielle Bourque Bearskin. 2023. Two-Eyed Seeing Application in Research Analysis: An Integrative Review. *International Journal of Qualitative Methods* 22: 1–27. [CrossRef]

Research Department. 1988. Memorandum [on behalf of the Universal House of Justice]: “Questions Relayed by the Spiritual Assembly of Mitcham” May 24. Unpublished manuscript.

Shearer, Tony. 1971. *Lord of the Dawn: Quetzalcoatl, the Plumed Serpent of Mexico*. Happy Camp: Naturegraph.

Smith, Peter. 2000a. Indigenous Religions. In *A Concise Encyclopedia of the Bahá'í Faith*. London: Oneworld Publications.

Smith, Peter. 2000b. Prophets. In *A Concise Encyclopedia of the Bahá'í Faith*. London: Oneworld Publications.

Steingass, Francis Joseph. 1892. *A Comprehensive Persian-English Dictionary[,] Including the Arabic Words and Phrases to be Met with in Persian Literature, Being, Johnson and*

Richardson's Persian, Arabic, and English Dictionary, Revised, Enlarged, and Entirely Reconstructed. London: Routledge & K. Paul. Available online: <https://dsal.uchicago.edu/dictionaries/steingass/> (accessed on 18 August 2025).

Talisman Archives. 1994–1996. Available online: <https://websites.umich.edu/~jrcole/tarc1196.htm> (accessed on 18 August 2025).

The Universal House of Justice. 1972. Message to Bahá'í Unity Conference, Ganado, Arizona, May 18. Available online: https://bahai.works/MUHJ63-86/112/Message_to_Bah%C3%A1%E2%80%99%C3%AD_Unity_Conference,_Ganado,_Arizona (accessed on 18 August 2025).

The Universal House of Justice. 1976. International Teaching Conference in Anchorage, July. Available online: https://www.bahai.org/library/authoritative-texts/the-universal-house-of-justice/messages/19760701_001/19760701_001.xhtml (accessed on 18 August 2025).

The Universal House of Justice. 1977. International Teaching Conference in Mérida, Mexico February. Available online: https://www.bahai.org/library/authoritative-texts/the-universal-house-of-justice/messages/19770201_001/19770201_001.xhtml (accessed on 18 August 2025).

The Universal House of Justice. 1986. Letter to an Individual, October 27. Available online: www.bahai.org/r/642016451 (accessed on 18 August 2025).

The Universal House of Justice. 2002. Letter written on behalf of the Universal House of Justice to the Continental Board of Counselors in the Americas, 20 June 2002. (Quoting the Universal House of Justice, 29 March 1993).

Williams, Kayanesenh Paul. 2018. *Kayanerenkó:wa: The Great Law of Peace.* Winnipeg: University of Manitoba Press.

Wright, Amy L., Chelsea Gabel, Marilyn Ballantyne, Susan M. Jack, and Olive Wahoush. 2019. Using Two-Eyed Seeing in Research with Indigenous People: An Integrative Review. *International Journal of Qualitative Methods* 18: 1609406919869695. [CrossRef]